

مجلس با این پس بگریزد بپرتو باد امورشورت  
کنند و ایراداتی که دارند بکنند بمدیباورند  
بمجلس .

اما راجع بپیشنهادات نه این است  
که ایشان اعتراضاتی که دارند وارد  
نباشد .

خیر نسبت بهریک اعتراضاتی وارد  
است .

اما راجع بهستونکوس ابدالایشان  
اعتراضی ندارند ایشان وقتی این پیشنهاد  
رفت آنجا يك شرحی نوشته انمو گفته اند  
این کار در ماه این اندازه لازم دارد و سه ماهش  
این اندازه و سالی این قدر میشود مجلس از  
کجا است ؟

مجلس را همین کنبد که از چه محل باید  
داده شود من موافق .

حال اگر دولت مجلس را نداشت با  
اینکه جمع و خرج کردند دیدند امروز  
نمی توانند این کار را بکنند هیچ مربوط به  
مستشار نیست .

مستشار در این فضا به نهایت موافقت  
ر ا دارد .

اما راجع بمسئله کتباته يك اعتراضات  
منفصلی ایشان دارند که يك اعتراض همیش  
ایست که نسخه های فارسی و فرانسه اش در  
جور بوده و اصل در این قرار داده نوشته شده  
بود که اگر يك اختلافی پیدا شود ما مراجع  
بکدام آنها بکنیم ؟

مراجعه بفرنسه بکنیم یا بفرانس  
ایرانی .

در حالیکه متن فرانسه و ایرانی با هم  
فرق دارد

شیر وانی - بفرستد .

عماد السلطنه - فرستد است .

یکی بدهد ؟ برای وزیر مالیه باید  
بفرستد که فرستاده است

این قبیل اعتراضاتست حالا شما  
میفرمائید يك پیشنهادی را که يك اعتراضاتی  
بر آن وارد است

( که دو تایش را برای مثل ) اینجا گفتیم  
بست و دو فقره اینطور ایراد دارد )

همینطور نرسیده و نرفته چون يك  
پیشنهاد خیلی خوبی است آن را قبول کنیم  
خیر بنده را آن پیشنهاد مخالفم تا وقتی که  
این ایرادات رفع بشود

وقتی که رفع شد من اول کسی  
هستم که موافقت میکنم و هم چنین راجع  
بهر پیشنهادی که می آید

و اما اما این که فرمودند نماینده اش  
رفت خیر هیچ جا نرفته است عنقریب بر  
می گردد .

موافقت هم حاصل شده است و عنقریب  
پیشنهادش بجلس می آید

در این مسئله هم اشکالی نیست .

اما راجع بپیشنهاد بندر جزو ایالتان  
همان بود که آقای ارباب کبهر هم گفتند  
واشکال مستشار هم این که در کمیسیون

اقتصادیات مجلس شورای ملی يك ملای کرانی  
راجع بمقامت والفا کلیه باجهامست  
آنوقت دادن يك امتیاز برای يك  
مدنی و گرفتن باج با آن تصمیم کمیسیون  
اقتصادیات مناقات دارد

خوبست قبلا تصمیم کمیسیون معلوم  
شود و بعد تکلیف آن را معین کنند  
والا با اساس نهایت موافقت را  
دارد .

اما راجع بمسئله درخواست و این که  
فرمودند  
چرا درخواست صادر می شود تا برود  
سیر قانونی خودش را بکند مدنی طول  
میکشد .

اولا اگر چهار پنج روز طول  
بکشد و سیر قانونی خودش را بکند بهتر  
از این است که درخواست صادر نشود و  
وسیر قانونی خودش را نکند  
و آنوقت حساب ها همانطوری که  
اظهار کردید می شود که اگر يك  
کمیسیونی معین شود در ظرف یکسال هم  
نتوانند رسیدگی کنند

ولی در نتیجه درخواست هائی که  
صادر میشود وسیر قانونی خودش را میکند  
من مطمئن هستم و میتوانم اطمینان بدهم که  
در ظرف بیست و چهار ساعت هر حسابی را بخواهید  
از مالیه تعویل بدهند .

يك قسمت از فرمایشات آقا راجع  
با اعتراضاتی بود که بوزارت بست و تلگراف  
شده بود

چون بنده خیال نمی کنم که حسابهای  
و شاید يك عده آقایان دیگر مسبق از آن  
عملیات باشند

فلا من مساکت میشود و هیچ آن  
مسائل را نمی گویم و بنده حفظ میکنم حیثیات  
يك وزارتخانه را و چون مجال ترفع آن  
اختلافات شده است

بنده عرض میکنم و الا اگر عرض  
می کردم تصدیق میفرمودید که ننگین بود .  
اما این که گفتند راجع بجواب مراسلات  
و کلاه متداول صادر شده است که جواب  
کاغذهای و کلاه را زودتر بدهند .

این واقعت ندارد ولی اساسا اگر يك  
همچو چیزی باشد چه عیب دارد ؟

شست شیب - خیلی هم خوب است .

عماد السلطنه - يك نفر وکیل تنها  
خودش نیست نماینده بشهری است هنوز  
هم کارهای ما اینقدر منظم نیست که تمام  
کارها بجز بران قانونی خودش باشد .

هر روز چنانچه همه نظارتش را دارند  
تا اگر اوقات و شکایات توسط و کلاه میرسد  
و کلام مجبورند بفرستند بوزارت  
البته باید جواب آنها را زودتر بدهند تا  
آنها هم بتوانند جواب موکلین خودشان  
را بدهند .

این هم اعتراضی نیست اگر اینکار را  
کرده باشند

ولی اینکار را هم نکرده اند .  
امایك قسمت دیگر راجع با اعتراضاتی  
که بوزارت فوائد عامه شده است  
بنده باز هم در آن مرحله نمی خواهم  
داخل شوم والا همرا حق بر رئیس کل  
مالیه میدهم  
( همه هم این نمایندگان )  
محمد هاشم میرزا شیخ رئیس  
اینطور نیست  
عماد السلطنه - همین طور است  
حالا اگر میگوید اینطور نیست یکی  
یکی را مطرح میکنم و میگویم  
بعضی از نمایندگان - صبح  
است .

بعضی از نمایندگان - صبح  
نیست .

عماد السلطنه - صحبت اینطور نیست  
دیگر نداشتیم والا ما مشرا با یکی یکی این  
جا میگویم همه اعتراضات وارد است .  
شیر وانی - شما حق دارید ولی او  
حق ندارد .

عماد السلطنه - بنده مراسلات ایشان  
را می آوردم اینجا میخوانم و قضاوتش را مجلس  
بکند که آن اعتراضات وارد است یا وارد  
نیست .

بنده بیش از این نمی خواهم وقت مجلس  
را تلف کنم .

اما راجع بموضعی که فرمودند که  
حق نداشته است این مراسم را بنویسد  
گو یا حق داشته است .

چون ماده شش قانون کنتراست رئیس  
کل مالیه میگوید رئیس کل مالیه تحت  
تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با  
مراعات اصول مسئولیت و زراع کلیه امور  
مالیه ایران را هدمه خواهد داشت مشارالیه  
تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه  
اختیار تام خواهد داشت که بودجه را تهیه  
تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و  
ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع  
و محاسبه پرداخت و وجوه عمومی مربوط است  
اصلاح نماید .

دولت ایران قبول مینماید مطابق  
نظریات مشارالیه دایر بشمین و ترقی و تنزل  
و انتقال از عزل مستخدمین وزارت مالیه  
و تمام شعب تابعه آن و همچنین ادارات  
دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه  
پرداخت وجوه عمومی مربوط است رفتار  
نمایند .

وزارت فوائد عامه یکی از آنهاست  
و وزارتخانه مالی است و رئیس کل مالیه  
در آن وزارتخانه کاملا باید حق نظارت  
داشته باشد و همچنین باید کلیه رؤسای  
محاسبیات هر يك از وزارتخانه با تصویب  
نظریه او معین شود .

و حالا بنده برای اینکه نمی خواهم  
وقت مجلس را تلف کنم جواب سایر ایرادات  
و اعتراضات را عرض نمیکنم .

ولی همانطور که این قانون گفته  
است و شما هم تصدیق میفرمائید دکتر  
میلیسو مسئول وزیر مالیه است وزیر مالیه  
هم مسئول مجلس است و بهتر این است  
که اگر آقایان ایراد و اعتراضی دارند  
که ب سؤال رفع میشود سؤال کنند و اگر  
بالا تر از اینها است وزیر مالیه را حاضر  
کنند و از او استیضاح کنند و هر روز  
مانباید وقت مجلس را تلف کنیم یکی برله  
و دیگری برله یا او حرفی بزند .  
رئیس - آقایان اجازه میفرمائید تنفس  
داده شود .

جمعی از نمایندگان - صبح  
است .

( در این موقع جلسه برای تنفس  
تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً  
تشکیل گردید )  
رئیس - پیشنهادی از طرف یکی از  
آقایان شده است که وارد در دستور  
شویم .

آقای سید یعقوب - بنده اجازه خواستم  
که توضیحی بدهم و مطابق نظام نامه بود  
اما حالا معتزاید .

رئیس - شما که امروز اظهاراتی  
نکردید .

آقای سید یعقوب - آقای عماد السلطنه  
نسبت ببنده اظهاراتی کردند و بنده خواستم  
جواب عرض کنم .

جمعی از نمایندگان - وارد در دستور  
شویم .

آقای سید یعقوب - این حق نظام نامه  
از بنده ساقط است ؟ اگر ساقط است بسیار  
خوب .

جمعی از نمایندگان - وارد  
در دستور شویم .

رئیس - کمیسیون ۱۲ نفری که بنا بود  
امروز انتخاب شود در موقعی که مشغول شور  
در قانون میزی هستیم آقایان تشریف میبرند  
بیرون و انتخاب میکنند .

آقای داور  
( اجازه )  
داور - بنده تصور میکنم برای اینکه  
توافق نظر حاصل شود و سرعت این عمل  
انجام بگیرد بهتر این است که در جلسه بعد  
انتخاب بعمل آید .

جمعی از نمایندگان - صبح  
است .

رئیس - مخالفی ندارد .  
( گفتند خیر )  
رئیس - بیس میباید برای روز ۳ شنبه  
قانون میزی از ماده اول مطرح است  
آقای مصدق میرزا  
( اجازه )  
مجدد و لایحه - تمام اختلاف  
نظری که بین آقایان مخالفین و موافقین  
در این چند جلسه شد و مباحثه و مذاکره

در موضوع لایحه پیشنهادی دولت و کمیسیون  
بود .

يك مسئله که بنده تصور میکنم در آن  
اختلاف نظری نبود اهمیت و کیفیت و  
موضوع این لایحه است .

هر چند که من این لایحه را يك لایحه  
میبری بنام معنای کلمه میبری نمی دانم زیرا  
لایحه میبری که در سایر نقاط و سایر مالک  
معمول است يك موضوع علمی است  
و باصلاح کاداستر گفته میشود .

یعنی نقش برداری و تعیین مساحتها  
این لایحه در واقع يك لایحه است که لازم  
دیده است در اصول مالیاتهای ارضی که  
در ایران معمول است يك تجدید نظری  
بشود تمام آقایان در اظهاراتشان تصدیق  
فرمودند که این لایحه خیلی مهم است و  
لازم هم هست که در اصول مالیات تجدید  
نظری بشود در این اصل اختلاف نظری  
نداشیم .

بنده هم که در اینجا در جزو مخالفین  
اظهاراتی میکنم کمال آرزو و نیت من این است  
این لایحه بهیچ صورتی که تقدیم مجلس  
شده است اصلاحاتی که لازم است در آن  
بشود و اگر آن اصلاحات نشود آن وقت  
بنده تصور میکنم که این لایحه و مواد آن  
با آن چیزی که در عمل موجود است تطبیق  
نکند .

بنده مخصوصاً در این زمینه می خواهم  
توجه آقایان نمایندگان را جلب کنم و  
استدعائی که دارم این است که فقط توجه  
آقایان برایش بنده باشد نه شخص  
بنده .

و آن مرض را تحت ماده ۱۲ آورده  
و با مطالبی که آقایان دیگر فرمودند مقابله  
کنند در واقع يك تفاوت فردی نسبت باین  
اظهارات بفرمایند .

حالا گویند هر کس هست  
باشد .

از این قسمت میگذریم و وارد در  
اصل موضوع میشویم .

بنده عرض خود را بسه قسمت تقسیم  
میکم و راجع باین سه قسمت نظریات  
خودم را بعرض آقایان میرسانم و بعد اخذ  
نتیجه بآقایان محترم خواهد بود .

قسمت اول این است که به بینم آیا  
باید مالیات از کل عایدات اخذ شود یا از  
سهم مالکانه .

قسمت دیگر اینکه اگر نشاود  
از سهم مالک اخذ شود آیا باید مخارج  
موضوع شود یا نه ؟

و بعد هم می خواهم به آقایان عرض  
کنم در صورتی که این لایحه بوضع اجرا  
گذاشته شود .

این نظریه است که هست و از دوره  
چهارم در این مجلس بوده آیا آن نظر  
صحت دارد .

یعنی از روی بیان و اساس متینی

است باخیر از روی يك فرضیات و موهوماتی  
است که گفته میشود اگر این لایحه باین  
طریق نگذرد و مالیات از سهم ارباب  
اخذ شود عوائد دولتی گسری میشود و ضرر  
دولت تمام میشود .

اما در قسمت اول که راجع بحق مالکانه  
است آیا این مالیات از حق مالکانه اخذ  
شود بهتر است یا از عایدات کل و در  
اینجا عقاید مختلفی راجع باین قسمت اظهار  
شد و بنده تصور میکنم این موضوع هم  
مورد اختلاف نباشد که این طرز مالیاتی که  
در ایران وجود داشته است یکی از اقسام  
وضع مالیات بر عوائد بوده است .

مالیات غیر مستقیم هم نیست يك مالیاتی  
است که بر عوائد وضع شده گفته میشود  
که اگر بنا شود این مالیات را از سهم  
مالک بگیرند دولت در ضمن عمل دچار يك  
مشکلاتی میشود که آن مشکلات و  
معضلات نتیجه اش این میشود که دولت  
موفق نشود مالیاتهای خود را بهیچانی که  
باید تأمین کند .

و مخصوصاً مخبر محترم در ضمن  
اظهاراتی که میفرمودند يك نطق دولتمانی  
اقامه کردند و بنده بیک قسمت از بیانات  
ایشان را یادداشت کردم و بعرض  
آقایان میرسانم آقای مخبر فرمودند که  
ما هیچ مخالفتی نداریم .

یعنی کمیسیون قوانین مالیه و دولت  
هیچ مخالفتی ندارد .

اگر معلوم شود که این نظر و ترتیب  
در ضمن عمل بمغظوراتی بر نمی خورد و  
فرمودند اگر در موقع عمل دولت به  
مغظوراتی بر نخورد البته بهتر است که  
از عایدات مالکانه مالیات اخذ شود و يك  
دلائل و منطقی هم بیان فرمودند که بعقیده  
بنده خیلی ضعیف بود ایشان اظهار فرمودند  
که تشخیص عوائد مالکانه برای دولت خیلی  
زحمت دارد و مشکل است و هم چنین اظهار  
فرمودند که ممکن است در بعضی موارد  
بیک قرار و مدارهای خصوصی و یک ساخت  
و یا ختگاهی بین مالک و رعیت بشود و در  
این میان این قضا یا بضرر دولت تمام شود  
و در ضمن هم یکی از مشکلاتی که همیشه  
مد نظر بعضی از آقایان بوده است موضوع  
تقسیمات بین ارباب و رعیت است که این  
را که تقریباً يك مسئله خیلی مهمی بود و يك  
کوهی قرار داده اند .

در دوره چهارم هم که بنده بودم و عضویت  
کمیسیون قوانین مالیه را داشتم این موضوع  
مطرح بود .

ولی نه باین شدت که در این دوره پیش  
آمده است .

در اینجا کمیسیون محترم مالیه يك  
قسمت از هر خود را تلف

کرده و داخل يك چنین بهنی شده که در  
واقع این بهت آقایان را يك سنگلاخی  
یرتاب کرده و از این قسمت هم نجات حاصل  
نخواهند کرد و نمیتوانند هیچ طریقه عملی  
اتخاذ کنند که از آن يك نتیجه بگیرند .

بالاخره داخل این مباحثات شده از  
مالیه صورتها خواستند در وزارت مالیه  
هم عده کثیری مشغول این کار شده و از  
ولایات تحقیقات کردند مذاکرات و  
مغایرات شد و بعد از اینکه تمام این قضایا  
بجمل آمد تازه هیچ جا نرسیدند .

يك فعا عده کلی است که بنده تصور  
میکم در تمام دنیا چه در آمد يك چه در  
فرانسه چه در ایران حتی در هر گوشه از  
آفریقا این قاعده هست و تقریباً میشود گفت  
که يك اصل لایتغیری است و آن این است  
که سه عنصر سه چیز در ایجاد و تهیه هر گونه  
ثروتی شرکت دارند از یک طرف وضعیات  
طبیعی آب و خاک و مردمان و از طرف دیگر  
زحمات انسانی و بالاخره سرمایه .

این سه چیز در هر جا جمع شود از آن  
تولید ثروت میشود .

بنابر این موج ثروت این سه چیز است و  
در هر گوشه و هر اقلی باشد وقتی این سه چیز  
شرکت کنند تولید ثروت میشود و در هر  
گوشه دنیا هم بهر میزانی که این سه چیز  
مداخله داشته باشد همان اندازه هم تقسیم  
عوائد فرق میکند و هیچ قابل انکار  
نیست .

مسئله دیگر که باز يك مسئله کلی و  
مهمی است مسئله عرضه و تقاضا است که يك  
مسئله اقتصادی و در همه جای دنیا یکی  
است .

بنابر این نباید اسباب حیرت و تعجب  
بشود که تقسیمات بین ارباب و رعیت در  
ایران يك چیز مجیر العقول و يك داستانی  
است که هیچکس نمی تواند از آن سر در  
بیاورد - خیر .

اگر قدری در اطراف فضا به تدق شود  
دیدم میشود که این قضیه در واقع یکی از آن  
فضایائی است که کاملادرت نفوذ آن دو  
اصل و قاعده کلی است که بعرض آقایان  
رساندم وقتی که ما این دو اصل را قبول  
کردیم آن وقت منطقی که می خواهم برای  
وصول به نتیجه استعمال کنیم خیلی ساده و  
سهل میشود و خیلی از اختلافات بعقیده  
بنده رفع میشود مسئله تقسیمات ارباب و  
رعیتی در تمام این مملکت در تحت همین  
قاعده اقتصادی که عرض کردم جریان داشته و  
دارد و هیچ مسئله غیر از آن اصل در این  
ترتیب تقسیم تأثیر نداشته است .

در يك مملکتی که مثل مملکت ما وسیع  
است و آب و هوای مختلف دارد گرمسیر .  
سردسیر . ییلاق . قشلاق .

چنگل و در واقع طبیعت در اینجا  
بطور اختلاف همه قسم ظهوراتی دارد در  
يك همچو مملکتی طبیعی است که اختلاف

در تقسیمات پیدا خواهد شد و این اختلافاتی  
که هست و نسبتاً هم خیلی کم است آنها هم باز  
طبیعی است و انقسام مختلفی که در این مملکت  
بین ارباب و رعیت تقسیمات میشود .

بنده آنها را بطور خلاصه یادداشت  
کرده ام و بعرض آقایان میرسانم .

یا این است که از قرار صدی ده سهم  
مالک میشود یا از قرار صدی بیست یا صدی  
سی و سه یا صدی چهل یا صدی پنجاه بالاخره  
یا از قرار صدی هفتاد .

این تقسیماتی است که در تمام این  
مملکت مرسوم بوده و هست و اگر غیر از این  
تقسیمات دیگری باشد از قبیل قرار و مدارهایی  
که بطور مقطعه مامام می شود آنها هم باز  
در تحت اصل کلی و قاعده طبیعی ایجاد  
شده است .

در تمام این انقسام قبل آنها را بشکافیم  
و بخواهیم درست تشخیص بدهیم چیزی که  
مسلم است این است که يك بهره به ارباب  
که صاحب اراضی مزروعی یا صاحب  
کارخانه است میرسد .

در لایحه که دولت پیشنهاد کرده است  
و عرض کردم لایحه میزی نیست و يك تجدید  
نظری است در آن لایحه طریقه سهمی که بنظر  
شان رسیده است قضیه اظهار نامه است و اگر  
آقایان درست توجه بفرمایند ملاحظه خواهند  
فرمود .

بیاناتی که در اینجا گفته می شود با  
پیشنهادی که کمیسیون کرده و دولت هم در  
لایحه خودش پیشنهاد کرده است .

یعنی اصل اظهار نامه با هم يك تناقض و  
تباين کاملی دارد در اینجا گفته می شود  
که يك اظهار نامه هائی توزیع می شود و در  
آن اظهار نامه ها مالک مکلف است عوائد  
خودش را قید نماید در این قسمت اگر  
آقایان مخصوصاً اعضاء کمیسیون بکفدری  
تعمق میفرمودند میدیدند که در جریان و عمل  
اختلاف پیدا می شود .

بعلت اینکه ما همیشه باید به پیشیم عمل  
چیت زیرا قانون نتیجه جریاناتی است که  
در عمل ظاهر می شود و وقتی آن جریانات  
را در تحت انتظام در آورند و اصلاح  
کنند .

آنوقت قانون می شود و در موقع وضع  
قانون باید کلیتاً در نظر بگیرند که از تباط  
فضایا و متناوب در عمل چیست ؟  
وقتی اینها را در تحت مذاقه و مطالعه  
در آورند آنوقت بآن یک صورت قانونی  
میدهند .

مثلاً وقتی يك کسی بخواهد يك ملک  
را بخرد و تحقیق می کند که عایدات این  
ملك چقدر است تمام توجه و فکر او معطوف  
باین است که عایدات مالک این ملك چه  
اندازه است و هر چکس نمی گوید عایدات  
این ملك از نقطه نظر استمداد چیست ؟ و  
همینقدر که سؤال می کند عایدات ملك چند  
خروار است و میگویند مثلا صد خروار



است یعنی بهره ارباب از این ملک صد خروار است نه اینکه کلیه محصول این ملک صد خروار است

در جریان عملیات خروار است و غیر از این توجه به چیز دیگری ندارد و در این قسمت اظهارنامه آقایان هیچ توجه فرموده اند که آن اظهارنامه را وقت بمالک دادند برای اینکه عوائد کل آن ملک را بنویسد مالک از تعیین آن عاجز است و نمی تواند برای اینکه اطلاع ندارد که عوائد کلی ملکش چه قدر است فقط مالک اطلاع ندارد بلکه کدخدای آن ده هم اطلاع ندارد و از فرد رعایا هم اگر بخواهند تحقیق کنند نمی توانند فقط شاید بدانند بته خود شاه و جفت خودشان مقدار است و چه خرج کرده اند و چه برداشته اند و باید اطلاع دیگری ندارند و آقایان نمیتوانند بفهمند که غیر از این است برای اینکه این جریان عمل است

پس بطوری که عرض کردم بین آن چیزی که در اینجا اظهار میشود و آن چیزی که شامدر لایحه خودتان در تحت تنظیم در آورده اید

و هم آنرا اظهارنامه گذاشته اید یک تناقض بینی است

شما در این لایحه که چهارده ماده بیشتر شش هفت ماده آنرا صرف اظهارنامه کرده اید و اگر این نظر را دارید که وقتی اظهارنامه را بمالک میدهند مالک مکلف باشد اطلاعات خود را بنویسد این غیر عملی و غیر مقور است

برای اینکه هیچ کدخدا و مالک و سرینه زیر این بار نمیرد که شما او را مقید کنید که مالین اظهاراتی که در باره دیگران از تو سؤال کرده اید

تو مسئول صحت اطلاعی هستی که در اینجا اظهار میکنی این خارج از جریان عمل است و در جریان عمل چنین چیزی در این ملک قابل اجرا نیست

شما میفرمایید که نظر ما این بوده است که برای وصول بمقصد یک راه سهلی را پیدا کنیم

در صورتیکه یک راه بریج و خمی را طی کرده اند و بمقصد هم نرسیده اند در حالی که اگر راه مستقیم متوجه آن میشوند هیچیک از این مشکلات نمیشد

از یک طرف میگویند که ما عایدات کل را در نظر گرفته ایم ولی بالاخره مقصود سهم است و گفته می شود این صدی چهار و نیم که اینجا بیش بینی کرده ایم عبارت از این است که

متلا فرض بمفرمانند صد خروار محصول کل یک قریه باشد

از این صد خروار پنجاه و پنج خروار

بمنوان مخارج موضوع میشود الباقی چهل و پنج خروار و از آن چهل و پنج خروار یک هشتاد و هشتاد و هشتاد یعنی چهار خروار و نیم

این یک حساب بریج و خمی است که پیش خودتان کرده اید برای اینکه بمقصد برسید

در صورتیکه اگر از اول در نظر میگرفتید که از سهم مالک مالیات بگیرند هیچ اشکالی پیدا نمیشد علاوه این حساب هم کجسایبی است که باید همیشه خود پست سر قانون باشید و آنرا توضیح بدهید والا این حساب بهم هیچکس نزدیک نیست

متلا فرماید صد خروار محصول کل یک قریه را در نظر میگیریم و پنجاه و پنج خروار بعنوان مخارج و سهم رعیت موضوع میکنیم و از چهل و پنج خروار باقی بماند یک هشتاد و هشتاد مالیات بگیرند

اصلا این پنجاه و پنج خروار را که در نظر گرفته این چه صیغه و در تحت چه قاعده است

علاوه بنده عرض کردم که تقسیمات ارباب و رعیتی در تمام ایران در تحت چه اصولی است

و البته یک چیزی که اکثر است دارد باید آنرا در نظر گرفت

و اساس قانون را بر روی آن قراردادند نه اینکه اساس قانون را روی یک استثنایان قراردادند

شما میفرمایید بین تلگراف کرده اند که در خلخال در چهار پارچه ده اینطور معامله می شود قانون نباید روی یک اصول مشتهی باشد ماذر بین را گذاشته ایم و در تمام ایران یک استثنایان را پیدا کرده ایم در صورتی که باید از استثنایان صرف نظر کرد و نظر یک کلیات انداخت دید که در ملک بیشتر تقسیماتی که بقا ارباب رعیت میشود چه صورتی دارد و از روی آن قانون نوشت مثلا در اکثر نقاط ایران تقسیمات ارباب و رعیتی با بطریق سه کورت یعنی سه و سه صد و با بطریق پنج و دو میشود و این دو قسم یک نمونه است که در اکثر نقاط ایران معمول است

حالا بقسمتهای دیم کلان داریم و مادر صورتی که تقسیمات ارباب و رعیتی را بطریق پنج و دو حساب کنیم می بینیم صدی چهل و پنج ارباب و صدی شصت بهره رعیت میشود و شما آمده اید برای مخارج صدی پنجاه و پنج کسر کرده اید و هیچ قانون نشده اید باینکه صدی پنجاه و پنج سهمی است که مال رعیت است که نباید در آن مداخله کرده فقط شما دردم نظر گرفته اید که صدی پنجاه و پنج بعنوان مخارج کسر و از چهل و پنج خروار باقی عشر بگیرند

همه جای این حساب غلط است برای اینکه اگر بطریق سه کورت بخواهیم مالیات

بگیرید باید صدی هفتاد و چند بگیرد و اگر پنج و دو را در نظر بگیرد باید صدی شصت بگیرد

بالاخره من نمیدانم چه شکل پیش خودتان حساب کرده اید که باین نتیجه رسیده اید

در ضمن توضیحات در جلسه گذشته بطور مثال آنجا گفته شد که در بعضی از نقاط مالیات را امروز رعیت می بردازد من جمله در قزوین و مخصوصاً فرمودند تحقیق کرده ام در قزوین سیصد و هشتاد قریه اینطور است

متأسفانه یک هب خیلی بزرگی که در این قضیه هست این است که تحقیق میکنند ولی در تحقیق آن تحقیق چیزهای دیگری را هم که باید تحقیق کنند تا آن تحقیق مقرون بصحت باشد آن ها را تعقیب میکنند - فقط یک تلگرافی میکنند و امین مالیه هم بطور اختصار جواب میدهد

آنوقت آنچه را می آورند در کرسیون و میگویند اینقدر است در صورتیکه اینطور نیست و باید در این موضوع درست تحقیق کرد که چه صورتی پیدا کرده است که اینطور شده است

در قزوین بطوری که بنده اطلاع دارم بعضی از بلوکات مثل بلوک دشتابی زهرا و بشاریا

در آنجاها مرسوم این است که مالیات جنسی بمهره رعیت است ولی بچه ترتیب در آنجا بجز در ارباب میدهند محصول مالیات را بالمتأسفانه از هر دو میگیرند بنابراین رعیت نصف مالیات جنسی را میدهد و وقتی که محصول کل در میان هست اول مالیات دیوانه میدهند و آنوقت ارباب و رعیت مابین خود تقسیم میکنند

پس نیشود این را مدرک قرارداد که در آنجا مالیات و رعیت میدهد

در آنجاها پدر را ارباب میدهد و البته این قضیه ذی مدخل می شود در تقسیماتی که بعد میخواهند بنمایند

ولی نباید اینجا بترتیب را مدرک قرار داد و گفت در این نقاط مالیات تحصیل بر رعیت میشود غیر تحصیل بر رعیت نمیشود

همچنین در بعضی از بلوکات قزوین رعیت از باب مراتع و مواشی چیزی را ارباب نمیدهد آنوقت در عوض مالیات نقدی آن نقاط بمهره رعیت است

بنابراین بازم اینجا مالیات بر رعیت تحصیل نشده است و این ترتیب هم خیلی نادر است و ممکن است در سه چهار نقطه اینطور باشد ولی در سایر نقاط ایران اینطور نیست

متلا در خمسه که خیلی مالیاتش سبک است و مالیات آن بیشتر نقدی است و تقریباً

مالیات جنسی ندارد در آنجا تقسیم بین ارباب و رعیت نمیشود است و نه پنج و دو خمس است چهار سهم رعیت میرسد یکی ارباب چرا؟

برای اینکه آن تحصیل مالیاتی نقدی بر رعیت شده است وقتی اصول را شما منظور قرار دادید که از سهم مالک گرفته تراش بوده است بهم می خورد

متلا در خلخال یک مالیات قلیلی دولت میگیرد و آنهم نقدی است و مثل سایر جاها نیست آنوقت اگر بناد از عایدی مالک جدیدی در تقسیمات بین مالک و رعیت حاصل میشود و تأثیری هم در اصل مسئله نخواهد کرد

پس بنده میخواستیم نظریات آقایان نمایندگان را متوجه کنیم اینکه در یک قانونی که میخواهند وضع کنند و عمومیت بدهند بر متوجه خصوصیات و نظریات ضعیف نشوند که مخصوصاً بخواهند آنها را اساس قرار بدهند زیرا اگر اینطور بشود اساس بر روی استثنایات شده است و همه را با شتاب خواهد انداخت قسمت دومی که در عراض خود ما این میرد از ماچامه بستمه مخارج است

در اینجا آقایان هیچ مسئله مخارج را در نظر نگرفته اند و شاید پیش خودشان تصور کرده اند که مخارج را نباید در نظر گرفت

بنده خیلی تعجب میکنم! اگر مراجعه نمایم بمالک دیگر دنیا که البته از نقطه نظر تجارت از ما جلو هستند در صورتیکه اصل موضوع محل تردید نباشد که این مالیات بر عایدات است و اساساً بر عایدات تعلق گرفته است باید به بینیم آیا در این ممالک هیچ نوع مخارجی موضوع نمیشود و آن عواید خود بخود بدست آمده است؟

در صورتیکه اگر آن مخارج نشود عواید بدست نیاید متلا در انگلستان در جزو مالیات موروثی که در آنجا (امکن کس) که مالیات اراضی است در آنجا صدی دوازده بطور قاطعه دردم نظر گرفته شده است و صدی دوازده از عایدات بعنوان مخارج کسر میشود و بعد از حاصل آن از آن شخص که این عایدات را برده است مالیات میگیرند و همچنین در تمام ممالک دنیا این یک اصل مسلمی است و خیلی فریب است که نسبت باین اصل منکری پیدا شود با وضعیت فقر اقتصادی ایران و حالیکه امروز وضعیت زراعتی در این ممالک دارد در صورتیکه خوشبختانه دولت خودش یکی از بزرگترین مالک ممالک شما است

شاید قدری با رقم مراجعه کنید و به بنیاد دولت این عوایدی که از املاک خودش میرسد چه میزان خرج میکنند و اگر

درست ملاحظه بفرمائید مخارجی که دولت در املاک خودش میکند سر میزند بصدی چهل و صدی پنجاه

بنده متأسفانه نتوانستم یک ارقام صعبی از اداره خالصیات تعقیب کنم ولی خودم یک ارقام تقریبی دارم که عرض کنم

تقریباً در این چهار سال اخیر مطابق یک ارقامی که بر آورده شده است عواید خالصیات بالغ سیصد و پنجاه شش هزار تومان است و از این سیصد و پنجاه هزار متأسفانه دستورات اخیر قریب دویست هزار تومان بعنوان مخارج و سوخت منظور شده است و چنانچه یک قلم در خالصیات تهران هشتاد هزار تومان را بعنوان سوخت قلم بر روی کشیده اند و البته همین طور که دولت مواجه با این قبیل چیزها است و در موقع تصویب بودجه یا صد هزار تومان بعنوان مخارج انتقاعی آزما میخواهند

برای این مخارج است مخارج قضائی است مخارج های دیگری است که ضرورت دارد باید بشود پس چه طور میشود که دولت مبلغ کلی خرج میکند اما مالک دو تومان خرج نمیکند شما میخواهید این مخارج را ابتدا دردم نظر بنیاد و این البته خارج از هر منطقی است با این وضعیت اسف آوری که زراعت ایران بخود گرفته است

که بقیه بنده بکسرت از برای هم توجهی است که مرا کزی که با این قبیل امور را در نظر بگیرند و متوجه باشند که هم توجهی برور داده اند

حالا آن مرکز که دولت باشد و چه نمایندگان ملت قرض می کنند وقتی که آقایان میرسند باین مسئله از یک طرف میگویند ما نگران هستیم و خیلی میترسیم که مبادا زراعت کاسته شود و از طرفی میگویند اطلاعاتی که ما داریم حکم نمی کند که بتوانیم یک مقفاری بعنوان مخارج کسر کنیم

این واقعا دور از منطقی است و یک چنین حرفی را بنده که صلاح نمیدانم در اینجا گفته شود زیرا دارای هیچگونه اساس و منطق مثبتی نیست

البته مخارج است و باید آن مخارج بدست بیاید

ولی متأسفانه چون همیشه در قانون گذاری ما جریان عمل را در نظر نمیگیریم از این جهت در قوانینی که وضع میکنیم بین روح قانون و عمل یک مغایرتهای خیلی فوق العاده پیدا میشود

مثلاً ماقتل نفوس و اوضاع اقتصادی مملکت و این وضعیت را که در این سنوات اخیر ایجاد شده است از مد نظر دور میکنیم در ایران امروز یک فقره مملکتی که ممالکی با و احتیاج دارد نیست که بکمتراز روزی

یازده قران و دو تومان برود کار کند و این مزدی است که باید داد

این وضعیت مزد است حالا وضعیت عواید چیست؟

در این مملکت شامیده و منبج فروش ندارید و این یکی از افتضای اقتصادی است است که هیچ دردم نظر نمیآورید و البته اگر این جزئیات منظور نشود اسباب زحمت میشود امروزه در سیستان یاد از باجیان خیلی هم دور نمیروم چون بنده اطلاعی از سیستان ندارم

لذا در این باب عرض نمی کنم در آذربایجان امروز هیچ چیز کم قیمت تر از محصول ارضی نیست

چرا برای اینکه بازار فروش و داد و ستد ندارد

شما در این مملکت بازار فروش برای محصولات خودتان تهیه میگردید البته هیچ یک از این مشکلات تولید نمیشد شما در این مملکت بازار فروش ندارید و قیمت آن چیزهایی که ضروری است و میشود آنها را ضروری نام گذاشت قیمت آن اجناس ابتدا متناسب عمل نیست اینست که بیک مشکلات خیلی صعبی دوچار میشویم و در قانون گذاری نباید این مشکلات را از نظر دور کنیم و باید خیال که مبادا از عایدات دولت کسر شود در یک مسئله اینکه ربع اهالی مملکت متوجه پا هستند

از ارباب و رعیت و طبقه مستاجر شما در قانون گذاری حق ندارید بیک اطلاعات معقول و کوچک خودتان یک مسئله را فرض بفرمائید و از حدود اطلاعات خودتان هم خارج نشوید شما قانون وضع میکنید برای یازده و دو نفر نفوس و البته این قانون شما آقایان میرسند باین مسئله از یک طرف میگویند ما نگران هستیم و خیلی میترسیم که مبادا زراعت کاسته شود و از طرفی میگویند اطلاعاتی که ما داریم حکم نمی کند که بتوانیم یک مقفاری بعنوان مخارج کسر کنیم

این واقعا دور از منطقی است و یک چنین حرفی را بنده که صلاح نمیدانم در اینجا گفته شود زیرا دارای هیچگونه اساس و منطق مثبتی نیست

البته مخارج است و باید آن مخارج بدست بیاید

ولی متأسفانه چون همیشه در قانون گذاری ما جریان عمل را در نظر نمیگیریم از این جهت در قوانینی که وضع میکنیم بین روح قانون و عمل یک مغایرتهای خیلی فوق العاده پیدا میشود

مثلاً ماقتل نفوس و اوضاع اقتصادی مملکت و این وضعیت را که در این سنوات اخیر ایجاد شده است از مد نظر دور میکنیم در ایران امروز یک فقره مملکتی که ممالکی با و احتیاج دارد نیست که بکمتراز روزی

بگیریم و در این قرن بیستم بگوئیم یک وصله هم ببازویشان بزنند و صالی صد هزار تومان بادوست هزار تومان از آنها بگیرند که شربنده و شما از سر این ده یازده کرور بر طرف شود

شیروانی یک چیزی هم دستی بانها میدهم

**محمدولی میرزا** - ملی یک چیزی هم دستی بانها میدهم - والا در قانونیکه شما میخواهید وضع کنید و کثرت جمعیت متوجه اوست باین حرفهای سبک نمیشود قانون وضع کرد

**شیروانی** - درست حرف بزنید

**محمدولی میرزا** - که من اینطور میل دارم و این یک اشتباه بزرگی خواهد بود بالاخره از این موضوع هم صرف نظر میکنم

**شیروانی** - توضیح بدهید فرمایشاتان را

**محمدولی میرزا** - اگر خواستم توضیح میدهم -

پس بنده بطوری که عرض کردم نسبت باصلی که اتخاذ شده است مسئله اظهارنامه در عمل یک نواقص فوق العاده و اساسی پیدا می کند و آن دلالتی که در اینجا گفته شد من آن دلالی را وارد نمیدانم و بالاخره با کمال سهولت و بدون اشکال و بیچ و خم ممکن است مستقیماً مالیات را متوجه بآن عایدات بآن بهره کرد که بیک شخصی میرسد

هر چه باو میرسد شما حق دارید اساس اخذ مالیات را روی او قرار بدهید - مسئله دیگری که در عراض خودم میخواستیم عرض کنم اینست که چون بنده همیشه این مسئله را دردم نظر میگیرم همانطور که خود آقای مخبر فرمودند و اقلاً لجاجی که نداریم) میخواهیم که قضیه را حل کنیم و به بینیم آیا این مقدار است که میشود اگر ما بخواهیم مالیات را باین طریق قرار بدهیم یک کسر و نقصان فوق العاده پیدا خواهد شد یا پیدا نمیشود؟

آقایان موافقین هم اظهار فرمودند البته این طریق سهل تر است که متوجه کنیم مالیات را بهمان عایدات و بهره که مالک میرد

بنده تفهیم از روی چه اصول و اطلاعات و ماخذی این فکر ایجاد شده است که اگر ما بخواهیم با این طریق اخذ مالیات را جریان بدهیم عایدات دولت و خزانه خیلی کسر میشود با وجود اینکه بعضی از آقایان در مد نظر ندارند که عایدات کسر میشود یا نه؟

بلکه در نظر دارند که یک مشکلاتی که اکثر مردم این مملکت باو متلا هستند آنها حل شود در رفع خود ولی خیر بنده با نظر آن آقایانی هم که اظهار تلگرافی

می کنند شرکت میکنند و میخواهم یک مقایسه بکنم که آیا واقعا از عواید کار کاسته میشود یا نه؟

اگر کاسته میشود بچه تناسب کاسته میشود؟ و اگر علاوه هم میشود بچه تناسب علاوه میشود؟

در این مسئله نظر بنده با نظر بعضی از آقایان موافق است که معتقدند در این مسئله یک ارقام خیلی اغراق آمیزی ما متوسل شویم چون بعضی ها ممکن است بگویند که مالیات دولت بقدری کسر میشود که هیچ مخارج وصول هم بدست نیاید و بعضی ها هم ممکن است بگویند خیر چندین برابر زیاد می شود و اظهار تلگرافی مینمایند که محل مصرفش را داریم

بنده نه با آن فکر و نه با این فکر شریک هستم و بلکه عقیده دارم که نظریات شخصی در کار نباشد و متوسل شوند با اینکه یک مقایسه های صحیحی شود

در زمانیکه میزی در ایران شده است

با اختلاف یک میزی هائی در ایران شده است از صد سال قبل - صد بیست سال قبل و بعضی جاها شصت سال - بعضی بیست سال بیش از این و در بعضی محلهها و نقاط هم از موقتی که تشکیلاتی برای ما بده داده شده است در همین پنجاه و ده سال اخیر یک هیئت های ممیزی معین شده اند و با طرف رفته اند و مخصوصاً یک عملیاتی در اطراف طهران و قزوین و گیلان و دماوند و سازندران شده و در خیلی از بلوکات اطراف طهران و در بعضی از نقاط دیگر یک ممیزی هائی در ظرف ده سال اخیر شده است و یک ارقامی هست که البته آنها یک ارقام مفیدی است که اگر آن ها را در نظر بگیریم و دقت بکنیم و مقایسه کنیم میتوانیم بفهمیم بچه تناسب عوائد زیاد یا کاسته میشود این اشکالی ندارد و اصواش هم خیلی واضح است و روی ارقامی خواهد بود

این یک فریست است ملاحظه می فرمائید و تاریخ این فرد مال سنه ۱۲۴۰ است که متجاوز از صد سال قبل است

در صد سال قبل از این به بینیم چه اصلی اتخاذ شده؟

هیچ ندارد از نقطه نظر روشن شدن قضایا به بینم چسه طریقی در صد سال قبل در نظر گرفته اند و آن میزین قسمتی که امروز مورد تنقید ما هستند به بینیم چه کرده اند

اگر آقایان درست متوجه باشند تصدیق می فرمایند که نباید مورد تنقید باشند - اولاً این فرد دستور ممیزیست و مستوفی کابین دستور را داده است میرزا اسمعیل مستوفی بوده است



در اینجا اوقالی شده است یا اینکه می شود گفت يك اصل کلی است آب و زمین پدر اگر مال دیوان یارب و همله و هومال و مصالح الاملاک مال رعیت باشد آنچه به مال میآید نصف مال رعیت است نصف مال دیوان یارب.

زمین و آب مال دیوان یارب بنر و همله و هومال و مصالح الاملاک مال رعیت دو ثلث مال رعیت يك ثلث مال ارباب بطوریکه در قسمت قزوين هم عرض کردم و مخصوصاً نماینده گانرا متوجه کردم که در آنچه ما تقریباً همینطور بوده که چون بنر را ارباب میداده است مطابق قرار داد خصوصی نصف مالیات را تعجب بر ما نیا بود.

چون بنر را از باب میداده داده است بعد در اینجا میگوید

از آب قنات بقرار یکمشر و از دم بقرار نیم مشر

در صورتیکه بکلی اطلاعاتیکه بر طبق آن این لایحه تنظیم شده در مورد دیم بر عکس این مسئله را در نظر گرفته اند و نمی دانم از چه نقطه نظر اینطور قرار داده اند و بطوریکه عرض کردم اینها از آن اطلاعات غلط است و اطلاعات کافی در این باب نتوانسته اند بدست نیاورند فقط يك اطلاعات سطحی تحصیل کرده اند و فوری رفته اند و پسینده اند که دیم باید صدی شش و نیم بدهد در سر این مسئله هم استاد گی و مقاومت میکنند که غیر از این باشد دولت ضرر میکند و مخصوصاً اظهار میکنند که سابقاً هم اینطور بوده است در صورتیکه منته در اینجا اصل فرد دستور میزنی صد سال قبل از اینها عرض کردم ملاحظه بفرمائید.

نوشته است دیم بقرار نیم مشر عماد السلطنه - اینطور نیست اشتباه است.

محمود علی میرزا - و این اطلاعات تصور میکنم برای بنده صحیح تر باشد و اگر خود آقایان هم که میفرمایند صحیح نیست دقت بفرمائید و تحقیقاتشانرا توسعه بدهند تصدیق خواهند فرمود که همین طور است.

در آن زمان که این میزها صورت میگرفته است در یک قسمت که مملکت از قبیل آذربایجان.

خراسان و سایر قسمتهای دیگر آمدند آنجا و آنجا را تسخیر کرده اند و همچنین راجع به بیقیجات که آمده اند مالیات نقدی برایش قائل شده اند و این مالیاتهای نقدی از تسخیر حیوانات و اجناس و بیقیجات بوده است.

در آن زمان بواسطه منزل خیلی فاحش اجناس و حیوانات که نسبت با امروز البته منزلش خیلی بیشتر بوده است آمده اند و پانصد تن بعضی آنها را تسخیر کرده اند و

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

آنها مالیات نقدی ترار داده اند و این جزو جمعی که امروز داریم و مالیاتهاییکه وصول میکنیم و عایدات مستقیمان بر آورد می شود بسمایلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان این جزو جمع میزانش از روی ماخذ و مدارک همان مالیات و میزنی قدیم است یعنی جش در خیلی از مالیات ایران تسخیر شده است و آنرا آورده اند و مالیات نقدی قرار داده اند چنانچه در خراسان و یکقسمت از آذربایجان مثل خلخال و مشکین مالیاتش نقدیست در بعضی نقاط دیگر هم همینطور است که بکلی مالیات نقدیست و جش ابد ندارد.

یکقسمت از این نقدیها غله بوده است که تسخیر کرده اند و میزانی که تسخیر کرده اند بر عرض میرسانم حداقل وا کثر کدام از هفتده الی بیست و پنجقران جوازته الی باز زده قران و امروز همین مبلغها جزو جمع مالیات نقدی ما را تشکیل میدهد.

قسمت دیگرش هم راجع بتسخیر حیوانات و بیقیجات است مثل جوزق را که پنبه باشد از فرار خرواری چهار تومان تسخیر کرده اند و از قرار همان چهار تومان هم در جزو جمع مالیاتی حساب میکنند.

شلتوک را در آن جزو جمع حدهای که برایش قائل شده اند بیست و پنجقران بوده است حیوانات دیگر از قرار خرواری هشت قران و یکتومان بوده است ابر بشمرا از قرار یکمشر بیست و هشت قران و سی قران قائل شده اند.

البته البته امروز مالیاتی و مطابق این پیش بینی که شده است اینها را برگردانیم بر این معنی که از عایدات مالکانه آنچه با و میرسد ولو از قنجان و اجزای قنجان که آقای مخیر فرمودند مالیات بگیریم چه ضرر دارد؟

چون آقایان بنده نوشته اند موقع گذشته است اگر اجازه میفرمائید عرض کنم بماند برای جلسه بعد.

رئیس - بقیه مذاکرات ایشان میماند برای جلسه دیگر.

جلسه آتی روز سه شنبه پیشنهادی رسیده است قرائت میشود و رأی می گیریم (شرح آتی قرائت شد)

بملاحظه اینکه اوضاع و چیزهای زیادی از طرف دولت و کمیسیونها در مجلس آمده و حاضر است که باید در مجلس مطرح و تصویب شود و این اوقات بواسطه اینکه روزها قدری بلند شده است که ممکن است آقایان نمایندگان عظام قدری بیشتر وقت خود را صرف وظائف ملی فرمایند.

این است پیشنهاد می نمایم که مجلس از ساعت سه و نیم بظهر تشکیل شود قائم مقام

(پیشنهاد آقایان محمد هاشم میرزا و حائری زاده بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از اینجلسات مجلس سه و نیم قبل از ظهر سه رئیس - مخالفی ندارد

مدرس باشد برای بعد از حمل رئیس - پیشنهاد برای بعد از حمل نشده است برای حالا پیشنهاد شده است.

عدل الملک - بنده مخالفم - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

عدل الملک - ما عملاً احساس میکنم در صورتیکه سه بظهر مانده معهود است ما می آیم سه مهنا دو نیم بظهر برای کار حاضر میشود حالا بنده نمیخواهم انتقاد بکنم بلکه از نقطه نظر بعد مسافت منازل و بعضی کارها یکمشر تأخیر میشود بنا بر این اگر معهود باشد ما این ماه که همان سه بظهر بیستیم بهتر است و فقط اگر اصلاحی باید بشود در اینقسمت بشود بهتر قسمت توسعه وقت

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقایان ملاحظه فرموده اند که قبلاً جلسات سه و نیم بظهر تشکیل میشد بعد بواسطه کوتاهی روزها سه بظهر قرار داده داده شده و اینهم فراموش نشود که هملا مجلس یکساعت بظهر وارد دستور میشود.

بنده هم تقدیر میکنم ولی چون مذاکرات خیلی زیاد است و دلهای پردرد هم خیلی زیاد است بواسطه مذاکرات قبل از دستور مجلس یکساعت بظهر وارد دستور میشود از این جهت بنده عقیده دارم که نیمساعت بروقت مجلس اضافه شود تا اگر آقایان مذاکرات مفصلی هم دادند باز اقلاً دو نیم سه بظهر وارد دستور که کارها بگذرد و معطل نماند.

امراجح بآن فرمایشی که آقای عدل الملک فرمودند این قسمت در سه و سه و نیم بظهر هم فرق نمیکند

باید صرف وضع قوانین گردد و نظریاتیکه مذاکرات نمایندگان محترم با حضور وزراء که در برابر مجلس شورای ملی مشولیت دارند باید بصورت بگیرد امضاء کنندگان ماده ذیل را پیشنهاد مینمائیم که بنظامنامه داخلی ضمیمه شود

ماده واحده - مذاکراتی که در حدود مشولیت وزراء است موافق نظامنامه مستقیماً بعنوان آنها خواهد بود و اظهارات راجع باشخاص غیر مشول ممنوع است

شیر وانی - امضاء ما را بفرمائید (اینطور قرائت شد)

آقایان - ضیاء الواعظین - ناصر الاسلام سلیمان میرزا - نظام الدوله - امین الدوله - اخگر - دستغیب - آقا شیخ عبدالرحمن حاج سید المعقین - یاسانی - دولت آبادی آقامیرزا شهاب - وکیل الملک - آقامیرزا علیرضا - مقوم الملک - داور

رئیس - مراجعه می شود بکمیسیون پیشکرات

عدل الملک - بنده در دستور عرض دارم اجازه میفرمائید

رئیس - دستور قانون میزنی است عدل الملک - بنده هم در همان خصوص عرض دارم

رئیس - بفرمائید

عدل الملک - در جلسه قبل هم بنده عرض کردم که لایحه اوزان و مقادیر چندان کاری ندارد چیز مفیدی هم هست امدها کردم که در اول جلسه امروز جزء دستور شود بعد آقای اخگر فرمودند خوبست قانون میزنی قبلاً مطرح شود و بعد از تنفس قانون اوزان و مقادیر جزو دستور شود - بنده در آن پیشنهادی هم که تقدیم کردم حضورتان عرض کردم عرض دارم گویا اینطور یا قنیه که بنده عرض کردم (عرضی ندارم)

لذا حالا مجدداً پیشنهاد میکنم که بعد از قانون میزنی لایحه اوزان و مقادیر که حاضر است بعد از تنفس جلسه آتی مطرح شود.

سر لایحه اوزان و مقادیر برای اینکه چیزی باخر سال نمانده و خوب نیست این لایحه بتأخیر بیفتد لهذا بنده مقدم تا قانون میزنی شور و اولش تمام نشود هیچ لایحه نباید جزو دستور شود تا اینکه این قانون سیر طبیعی خودش را بکند

شیر وانی - رأی بگیریم

رئیس - عده کافی نیست برای رأی چون عده کافی نیست جلسه را ختم میکنیم و روز سه شنبه رأی میگیریم

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد رئیس مجلس شورای ملی مؤمن الملک منشی علی اقبال الملک منشی معظم السلطان

جلسه يك صد و سی و یکم صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ششم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق سلخ رجب المرجب ۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت نیم قبل از ظهر به ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه چهارم حوت آقای اقبال الملک قرائت نمودند)

رئیس - آقای وحید الدوله (اجازه)

وحید الدوله - بنده قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

بلکه پنج ماه طلبکارند و با کمال بدبختی و عسرت زندگانی میکنند بطوریکه بنده شنیده ام امروز مدارس تعطیل است و اطفال مردم در کوچه ها سرگردان خواهند بود

تمجب است که از چه نظری دولت این تبیض را قائل میشود؟ علت اینکه قدم دوم در اصلاحات این مملکت که هجده سال است مشروطه است برداشته نشده بواسطه عدم توجه اولیای امور است بامر معارف

قدم اول که امنیت بود برداشته شده و بعد الله آقای رئیس الوزراء مملکت را امنیت دادند و از این حیث خاطرها جمع شد

ولکن قدم دوم که اصلاح معارف باشد در این قسمت هنوز قدم برداشته نشده است و همچنین راجع بصحبه مملکت آقایان و کلا محترم هلاکه بیشتری باین دو مسئله دارند و با اینکه در اغلب جلسات مجلس اصرار و تأکید شده است هیچ طرف توجه قرار داده نشده است

این است که بنده از مجلس تقاضا دارم اولاً در تسریع جریان قانونی آقای داور راجع بتقدم پرداخت بودجه مدارس جدیت شود

ثانیاً بدولت تذکر داده شود بقوریت حقوق عقب افتاده معلمین و اداره صحبه مملکتی را وزارت مالیه برادر زد و همینطور بودجه معارف و صحبه را از نقطه نظر احتیاجات مملکتی تنظیم نموده و بمجلس بیاورند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - يك سابقه در مجلس بوده است که اگر بکنفران نمایندگان سؤالی از وزراء داشت باید کتباً بنویسند در صورتی که این سابقه بنظامنامه نیست

سابقاً هم عرض کرده ام که این سابقه مطابق نظامنامه نیست این است که از مقام محترم ریاست استدعا میکنم که اطلاع بدهند به وزیر فواید عامه و مالیه که برای روز پنج شنبه بیایند

چون يك سؤالی بنده دارم که آن سؤال هامالمنعمه است و راجع به جای و قند است که حقیقه قوت غالب مردم شده است

معلوم شود و اقداماتی در این باب بشود مسئله قند مسئله است که محتاج الیه عموم است و يك چیزی نیست که مختص بيك طبقه دون طبقه دیگری باشد

يك چیزی است که قوت غالب مردم شده است و در مواقع میتوانم عرض کنم قدم و جای حالت برنج و نانرا برای مردم پیدا کرده است

بنده میخواهم از آقای رئیس استدعا کنم که بوزیر فواید عامه و وزیر مالیه تذکر بدهند که روز پنجشنبه برای جواب سؤال بنده حاضر شوند

زیرا اگر بنا شود کتباً نوشته شود طول میکشد و نتیجه نخواهد داشت بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم

رئیس - وارد دستور بشویم

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - کمیسیون دوازده نفری امروز باید انتخاب شود دو نفر بقرعه برای استخراج آراء معین میشوند اسامی اشخاص هم که قابل انتخاب نیستند اعلام شده است

آقایان دودو تشریف میبرند بیرون و رأی میدهند

آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - ممکن است دو نفری که بقرعه باید معین شوند حالاً معین شوند ولی اگر آقایان مقتضی بدانند بعد از تنفس در اولین وقت شروع بتأیید بشود

رساندم و قسمت سوم که باید امروز بعرض آقایان برسانم این بود که بطوری که عرض شد دولت در ایران بزرگترین ملاک است اگر تردیدی باشد که بهترین ملاک است ولی در هر صورت بزرگترین ملاک هست و با اینحال نمیتوانیم مراجعه کنیم به بینم معامله که دولت خودش در موضوع از روی مالکی میکند چه صورتی دارد و کمان می-کنم این يك مآخذی باشد که باید باوقائل بشویم

زیرا دولت براتب از سایر ملاک ها و ارباب ها توانائیش بیشتر است و بهتر میتواند از عهده جمع آوری و آبادی ملک بر آید سؤالی که برای دولت موجود است البته برای کمتر و خیلی کمتر موجود است

بنده در اینجا بطور اختصار يك رقمی را که بموجب راپرت رئیس کل مالیه و يك اطلاعاتیکه از خارج تحصیل کرده ام و آن اطلاعات هم اداری است آنها را بعرض آقایان میرسانم که ملاحظه فرمائید دولت خودش چه معامله میکند و تاچه اندازه و میزان مخارج بهره برداری می نماید و چه عاید میشود

البته این يك میزانی است که بدست آقایان می آید برای اینکه تصدیق کنند که عرض بنده و آقایانیکه هم عقیده هستند صحیح است و باید مخارج را منظور کرد بدلت اینکه هوایدی که بدست می آید این عواید خود بعقد بدست نمی آید يك مخارج ضروری است که اگر آن مخارج نشود نمیشود بهره برداشت البته اگر بهره نباشد یا کم باشد

رئیس مخالفی ندارد؟ (بعضی گفتند - خیر)

رئیس - لایحه میزنی از اول مطرح است

شاهزاده ولی میرزا - نطقشان تمام شده است

محمد ولی میرزا - بنده بطوری که نظر محترم آقایان است عرض خود را در ماده اول قانون میزنی سه قسمت تقسیم کرده بودم

قسمت اول این بود که آیا از بهره مالکانه باید مالیات اخذ شود یا چنانچه در لایحه تدوین شده است از سکل عایدات و قسمت عهده فرایض خوزم دادزاین باب عرض کردم

در قسمت ثانوی هم که بنده بیامخارج حتماً باید موضوع شود و پس از وضع مخارج چیزی که مابقی میماند بر آن مالیات باید تعلق بگیرد یاخبر بدون اینکه مخارج موضوع شود باید مالیات دولت مآخوذ شود

در این قسمت هم چیزهایی که بنظر میرسد با يك دلالتی و اعداد و ارقام بعرض آقایان اگر هم در یکجائی حیس شده است که آن

معارف چهارماه و پنج ماه طلبکارند و با کمال بدبختی و عسرت زندگانی میکنند بطوریکه بنده شنیده ام امروز مدارس تعطیل است و اطفال مردم در کوچه ها سرگردان خواهند بود

تمجب است که از چه نظری دولت این تبیض را قائل میشود؟ علت اینکه قدم دوم در اصلاحات این مملکت که هجده سال است مشروطه است برداشته نشده بواسطه عدم توجه اولیای امور است بامر معارف

قدم اول که امنیت بود برداشته شده و بعد الله آقای رئیس الوزراء مملکت را امنیت دادند و از این حیث خاطرها جمع شد

ولکن قدم دوم که اصلاح معارف باشد در این قسمت هنوز قدم برداشته نشده است و همچنین راجع بصحبه مملکت آقایان و کلا محترم هلاکه بیشتری باین دو مسئله دارند و با اینکه در اغلب جلسات مجلس اصرار و تأکید شده است هیچ طرف توجه قرار داده نشده است

این است که بنده از مجلس تقاضا دارم اولاً در تسریع جریان قانونی آقای داور راجع بتقدم پرداخت بودجه مدارس جدیت شود

ثانیاً بدولت تذکر داده شود بقوریت حقوق عقب افتاده معلمین و اداره صحبه مملکتی را وزارت مالیه برادر زد و همینطور بودجه معارف و صحبه را از نقطه نظر احتیاجات مملکتی تنظیم نموده و بمجلس بیاورند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - يك سابقه در مجلس بوده است که اگر بکنفران نمایندگان سؤالی از وزراء داشت باید کتباً بنویسند در صورتی که این سابقه بنظامنامه نیست

سابقاً هم عرض کرده ام که این سابقه مطابق نظامنامه نیست این است که از مقام محترم ریاست استدعا میکنم که اطلاع بدهند به وزیر فواید عامه و مالیه که برای روز پنج شنبه بیایند



عرض شد کلیه موارد متفرقه و عوائد نقدی خالصجات و جنس که تسعیر شده است و از قرار هفت تومان تسعیر شده است. بطور کلی مجموع عوائد نهصد و یازده هزار تومان شده است.

بطوری که ملاحظه میفرمائید از این مبلغ چهارصد و هشتاد هزار تومان عوائد خالص منظور شده است و بقیه اش تصور میکنم که بعد از تسعیر باشد که معارج شده است.

از نهصد و خورده هزار تومان بده از وضع چهارصد و هشتاد هزار تومان که به جمع آمده است بقیه اش معارج بوده یا معارج اداری بوده یا معارج بانقاصی و بهره برداری یا مساعده که برآیاداده شده است.

در صورت بقیه معارج بوده است حالاً اگر بخواهیم به همین مأخذ حساب کنیم ملاحظه میفرمائید که معارج دولت برای جمع آوری عایدات خودش با مزایایی که در دولت هست از صدی سه و چهار و پنج تجاوز میکند در سه ماهه قبل سنه ۱۳۰۲ یعنی ۱۳۰۱ در آن سنه نسبتاً معارج کمتر شده است باز در همان سنه بموجب ارقامی که پیش بنده هست معارج از صدی بیست و هفت تجاوز کرده است.

زیرا بده در اینجا از روی یک اعداد وارقای ثابت میکنم که از عوائد دولت کسر نمی شود.

پس در واقع این نمونه است که در دست است برای اینکه دولت در عالم مالکیت و اربابی تا چه اندازه ناگزیر و ناچار است معارج کند تا بهره بردارد.

و البته اگر به یک تناسب خیلی کمتری بستیم البته هر مالک و ارباب ملک همین اندازه ما خرج دارد و اگر هم بگوئیم دولت مثلا به یک طریق خیلی متعددی و ضمیمت زراعتش را اداره میکند اینطور نیست.

زیرا دولت هم با کارش هم می کند همان چیزهایی را که دیگران استعمال می کنند و هم میکند دولت هنوز ماشین آلات جدیدی وارد نکرده است.

حالا یا قدری بهتر یا قدری بدتر آن کار نداریم بنده میخواهم این نتیجه را بگیرم و مخصوصاً آقایان خاطر نشان کنم که اگر ما بخواهیم بگوئیم در مالیاتیکه دولت باید از مالکین ملک بگیرد معارج منظور نشود.

این یک قدری از طریق عدالت بقیه بنده دور است و این ترتیب هم تشویق برای آبادی ملک نمی شود بلکه بالعکس خرابی هائی که در این سنوات اخیر مخصوصاً پیدا شده رو با آبادانی نورهه گذاشت و بر خرابی خواهد افزود و این ترتیب از عوائد مالک کاسته خواهد شد و در این صورت از عوائد حقیقی دولت هم کاسته میشود.

پس این طریق عادلانه نیست و این هم ارقام و اعدادی است که از روی آن عرض کردم البته این دلائلی که عرض کردم مزاح و خیال نبود بموجب این ارقام بود و

یک از آقایان هم بفرمائید اینطور نیست در خالصجات این اندازه خرج نمی شود فرساده و بیست خرج میشود با هیچ خرج نمی شود و این عوائد بدون بنداری معارج حاصل شده و در بودجه گذارده شده است بنده هم فوری تسلیم می شوم و تصدیق میکنم مشروط بر اینکه از روی اسناد این اظهارات را بفرمائید بنده این عقاید و مطالبی را که عرض کردم بموجب یک اطلاعاتی بود که تحصیل کرده ام که تحصیل آن برای سایر آقایان هم اشکالی ندارد و سهولت میتواند تحصیل کنند.

از این قسمت میگذرم و وارد می شوم در قسمتی که بنظر بنده مهم تر است و آن قسمت سومی است و راجع است بمقایسه اینکه آیا این طریقی که در این لایحه در تحت چند ماده پیش بینی شده است

هر گاه اجرا شود از عوائد دولت کاسته میشود و قدری کاسته میشود که باعث نگرانی است یا خیر؟

مطابق عقیده خیلی ها علاوه هم میشود و گمان میکنم اگر آقایان توجه بفرمائید این مقایسه خیلی از مباحثات و مذاکرات ما را ختم میکند.

زیرا بده در اینجا از روی یک اعداد وارقای ثابت میکنم که از عوائد دولت کسر نمی شود.

پس در واقع این نمونه است که در دست است برای اینکه دولت در عالم مالکیت و اربابی تا چه اندازه ناگزیر و ناچار است معارج کند تا بهره بردارد.

و البته اگر به یک تناسب خیلی کمتری بستیم البته هر مالک و ارباب ملک همین اندازه ما خرج دارد و اگر هم بگوئیم دولت مثلا به یک طریق خیلی متعددی و ضمیمت زراعتش را اداره میکند اینطور نیست.

زیرا دولت هم با کارش هم می کند همان چیزهایی را که دیگران استعمال می کنند و هم میکند دولت هنوز ماشین آلات جدیدی وارد نکرده است.

حالا یا قدری بهتر یا قدری بدتر آن کار نداریم بنده میخواهم این نتیجه را بگیرم و مخصوصاً آقایان خاطر نشان کنم که اگر ما بخواهیم بگوئیم در مالیاتیکه دولت باید از مالکین ملک بگیرد معارج منظور نشود.

این یک قدری از طریق عدالت بقیه بنده دور است و این ترتیب هم تشویق برای آبادی ملک نمی شود بلکه بالعکس خرابی هائی که در این سنوات اخیر مخصوصاً پیدا شده رو با آبادانی نورهه گذاشت و بر خرابی خواهد افزود و این ترتیب از عوائد مالک کاسته خواهد شد و در این صورت از عوائد حقیقی دولت هم کاسته میشود.

پس این طریق عادلانه نیست و این هم ارقام و اعدادی است که از روی آن عرض کردم البته این دلائلی که عرض کردم مزاح و خیال نبود بموجب این ارقام بود و

نقدی داخل کرده اند. بنگسنت همه هم مالیات مراغ و مواشی است.

مالیات مراغ و مواشی هم بموجب دستورالعملهائی که در سابق بوده است آنهم داخل شده است.

در جزء مالیات نقدی روی هر تنه این سه قسمت که تسعیر قله و شلتوک و صیغیجات و نقدی باغات و مراغ و مواشی باشد مالیات نقدی ملک را تشکیل میدهند.

آنروز بنده اینجا یک مناسبتی عرض کردم بموجب یک فردی که بنده در دست دارم دستور العملی که مال سنه ۱۲۴۲ است که درصد سال قبل دستور داده شده است بچه ترتیب مالیاتها را مأخوذ دارند یک قسمتی را بنده نتوانم و اگر آقایان زود غسته نشوند و حوصله فرمایند

بند آرا میخوانم و آن عبارت است. از تفرقه اخذ مالیات که همین میکند از چه بگیرند و از چه قرار اخذ کنند.

در قسمت های تسعیری که جزء اول عرض بنده را تشکیل میدهد.

مثلا ابالت فارس مطابق جزء جمع قدیمی که داشته است مالیات جنسی آن جا پنجاه و هشت هزار خردار بوده است در صورتیکه امروز از آن پنجاه و هشت هزار خردار فقط هشت هزار خردار دولت از فارس مالیات اخذ میکند و پنجاه هزار خردار مالیات جنسی فارس تسعیر شده و داخل مالیات نقدی شده است.

این پنجاه هزار خردار از قرار خرواری یا زنده قران تسعیر شده است.

البته تصدیق میفرمائید این با زنده قران با ریشههای امروزی چه در فرق دارد و محتاج بتشریح و توضیح نیست.

مثلا یکصد هزار مالیات نقدی فارس که قسمت صیغی باشد قیمت جوزق و ریشه جوزق را در خرواری سه تومان تسعیر کرده اند.

امروز ملاحظه بفرمائید اگر همان حساب بر عین متداولی قیمت جوزق را در قیمت بنده حساب کنیم بنده خرواری هشتاد تومان بود تومان بلکه صد تومان معلوم است چقدر میشود.

مثلا تنها که در فارس خرواری پنج تومان تسعیر کرده اند در صورتیکه تنها گوی فارس امروز خرواری صد تومان قیمت پیدا کرده است.

در واقع همین طور که عرض کردم اگر آقایان نقدی دقت بفرمایند در تمام ایالات ایران هم بصورتی است و رویهای که از بندر امانتاز شده است اینطور بوده است.

این ترتیب که عرض کردم ملاحظه فرمائید همین قسمت بمسرات سر به کجا میزند. در یک ابالتی مثل فارس اگر بنده غله و شلتوک خرواری پنج تومان تسعیر شود تقریباً دو صد و پنجاه هزار یا صد هزار تومان میشود همین طور در سایر ایالات و ایالات اینکه ابالت فارس را مثل زدم بران این است که در آن جای بیشتر از سایر ایالات تسعیر شده است.

در آذربایجان هم تقریباً به همین طریق تسعیر شده است یعنی باز در قران یکی از نقاط همش ساوجبلاغ مکرکی است و دو تومان پس گمان میکنم این دلیل قوی باشد برای آقایان مخالفین که عقیده جدی دارند که اگر عشر مالکانه اخذ شود عایدات دولت کسر نمی شود و این دلیلی است که است.

دو صورتیکه در آنجا دهائی هست که در سال دیبازده هزار تومان عوائد مالکانه دارند و مالیات جزء جمعی شلن فقط صد یا تسعیر شده است.

البته تصدیق میفرمائید از این ولایت اگر عشر هوائ مالکانه را بگیرند چه اندازه عایدی دولت باین ترتیب خیلی بیشتر خواهد شد.

در آن تاریخ از باغات مطابق دستور العمل از هر جریب هزار دویست ذریع یک ربال مالیات مأخوذ می شده است در صورتی که اگر تسعیر شود حساب کنیم می بینیم یک باغ هزار و دویست ذریع که ما با یاد با سایر اشجار میوه دارد داشته باشد چه در عوائد دارد به تناسب جریبی بکریال معلوم میشود چه اندازه علاوه میشود.

مسکن است خود آقایان حساب کنند و به بینند چقدر زیادتر میشود در آذربایجان در این سنوات اخیر اهالی ده خوارقان که تمام آن باغات است بیک لایه مخصوصه بعد از جنگ شاک می بودند که ما از عهد مالیات جزء جمعی بر نمی آئیم.

اخیراً از طرف مالیه یکمده برای رسیدگی بشکایات اهالی آنجا رفتند و بنامد میبری نمایند که اگر باغات آنها خراب شده است از مالیات جزء جمع معاف باشند.

بالاخره نتیجه این میبری این شد که در سنه ماضیه چهارده هزار تومان علاوه شد.

حالا به بینند در یک مالیات جزء جمعی که کلیتاً هجده هزار تومان بود این بود که متعصن شده و اظهار کردند که این میبری برخلاف قانون بوده است.

میبری عمومی را هنوز مجلس دولت تصویب نکرده اند هر وقت میبری عمومی تصویب شد.

آنوقت باغات ما را هم میبری کنند. اینها نمونه و مدارکی است که ثابت میکند که اگر امروز ولایتی که سطحی هم میبری

من جمله در ورامین و دماوند و در

چهار صد یا صد بار چه ازدهات فروین این میبری بعمل آمده و هفت هشت ماه بلکه یکسال یا قریب دو سال در فروین عملیاتی کردند و همین سن از روی اصول نقشه برداری و کاواستر با یک تحقیقات خیلی عمیقی یک میبری کردند و در تمام این میبری ها یک اضافاتی به نفی دولت پیدا شد و در فروین در با صد پارچه ده که میبری شده قریب دو هزار خردار جنس علاوه شد.

اگر چه بیکهزار در با صد تومان از مالیات نقدی کاسته شد ولی بر مالیات جنسی دو هزار خردار علاوه شد.

و در قرانی که در دماوند و ورامین میبری شد.

دو صورتیکه در آنجا دهائی هست که در سال دیبازده هزار تومان عوائد مالکانه دارند و مالیات جزء جمعی شلن فقط صد یا تسعیر شده است.

البته تصدیق میفرمائید از این ولایت اگر عشر هوائ مالکانه را بگیرند چه اندازه عایدی دولت باین ترتیب خیلی بیشتر خواهد شد.

در آن تاریخ از باغات مطابق دستور العمل از هر جریب هزار دویست ذریع یک ربال مالیات مأخوذ می شده است در صورتی که اگر تسعیر شود حساب کنیم می بینیم یک باغ هزار و دویست ذریع که ما با یاد با سایر اشجار میوه دارد داشته باشد چه در عوائد دارد به تناسب جریبی بکریال معلوم میشود چه اندازه علاوه میشود.

مسکن است خود آقایان حساب کنند و به بینند چقدر زیادتر میشود در آذربایجان در این سنوات اخیر اهالی ده خوارقان که تمام آن باغات است بیک لایه مخصوصه بعد از جنگ شاک می بودند که ما از عهد مالیات جزء جمعی بر نمی آئیم.

اخیراً از طرف مالیه یکمده برای رسیدگی بشکایات اهالی آنجا رفتند و بنامد میبری نمایند که اگر باغات آنها خراب شده است از مالیات جزء جمع معاف باشند.

بالاخره نتیجه این میبری این شد که در سنه ماضیه چهارده هزار تومان علاوه شد.

حالا به بینند در یک مالیات جزء جمعی که کلیتاً هجده هزار تومان بود این بود که متعصن شده و اظهار کردند که این میبری برخلاف قانون بوده است.

میبری عمومی را هنوز مجلس دولت تصویب نکرده اند هر وقت میبری عمومی تصویب شد.

آنوقت باغات ما را هم میبری کنند. اینها نمونه و مدارکی است که ثابت میکند که اگر امروز ولایتی که سطحی هم میبری

چهار صد یا صد بار چه ازدهات فروین این میبری بعمل آمده و هفت هشت ماه بلکه یکسال یا قریب دو سال در فروین عملیاتی کردند و همین سن از روی اصول نقشه برداری و کاواستر با یک تحقیقات خیلی عمیقی یک میبری کردند و در تمام این میبری ها یک اضافاتی به نفی دولت پیدا شد و در فروین در با صد پارچه ده که میبری شده قریب دو هزار خردار جنس علاوه شد.

اگر چه بیکهزار در با صد تومان از مالیات نقدی کاسته شد ولی بر مالیات جنسی دو هزار خردار علاوه شد.

و در قرانی که در دماوند و ورامین میبری شد.

دو صورتیکه در آنجا دهائی هست که در سال دیبازده هزار تومان عوائد مالکانه دارند و مالیات جزء جمعی شلن فقط صد یا تسعیر شده است.

البته تصدیق میفرمائید از این ولایت اگر عشر هوائ مالکانه را بگیرند چه اندازه عایدی دولت باین ترتیب خیلی بیشتر خواهد شد.

در آن تاریخ از باغات مطابق دستور العمل از هر جریب هزار دویست ذریع یک ربال مالیات مأخوذ می شده است در صورتی که اگر تسعیر شود حساب کنیم می بینیم یک باغ هزار و دویست ذریع که ما با یاد با سایر اشجار میوه دارد داشته باشد چه در عوائد دارد به تناسب جریبی بکریال معلوم میشود چه اندازه علاوه میشود.

مسکن است خود آقایان حساب کنند و به بینند چقدر زیادتر میشود در آذربایجان در این سنوات اخیر اهالی ده خوارقان که تمام آن باغات است بیک لایه مخصوصه بعد از جنگ شاک می بودند که ما از عهد مالیات جزء جمعی بر نمی آئیم.

اخیراً از طرف مالیه یکمده برای رسیدگی بشکایات اهالی آنجا رفتند و بنامد میبری نمایند که اگر باغات آنها خراب شده است از مالیات جزء جمع معاف باشند.

بالاخره نتیجه این میبری این شد که در سنه ماضیه چهارده هزار تومان علاوه شد.

حالا به بینند در یک مالیات جزء جمعی که کلیتاً هجده هزار تومان بود این بود که متعصن شده و اظهار کردند که این میبری برخلاف قانون بوده است.

میبری عمومی را هنوز مجلس دولت تصویب نکرده اند هر وقت میبری عمومی تصویب شد.

آنوقت باغات ما را هم میبری کنند. اینها نمونه و مدارکی است که ثابت میکند که اگر امروز ولایتی که سطحی هم میبری

چهار صد یا صد بار چه ازدهات فروین این میبری بعمل آمده و هفت هشت ماه بلکه یکسال یا قریب دو سال در فروین عملیاتی کردند و همین سن از روی اصول نقشه برداری و کاواستر با یک تحقیقات خیلی عمیقی یک میبری کردند و در تمام این میبری ها یک اضافاتی به نفی دولت پیدا شد و در فروین در با صد پارچه ده که میبری شده قریب دو هزار خردار جنس علاوه شد.

اگر چه بیکهزار در با صد تومان از مالیات نقدی کاسته شد ولی بر مالیات جنسی دو هزار خردار علاوه شد.

و در قرانی که در دماوند و ورامین میبری شد.

دو صورتیکه در آنجا دهائی هست که در سال دیبازده هزار تومان عوائد مالکانه دارند و مالیات جزء جمعی شلن فقط صد یا تسعیر شده است.

البته تصدیق میفرمائید از این ولایت اگر عشر هوائ مالکانه را بگیرند چه اندازه عایدی دولت باین ترتیب خیلی بیشتر خواهد شد.

در آن تاریخ از باغات مطابق دستور العمل از هر جریب هزار دویست ذریع یک ربال مالیات مأخوذ می شده است در صورتی که اگر تسعیر شود حساب کنیم می بینیم یک باغ هزار و دویست ذریع که ما با یاد با سایر اشجار میوه دارد داشته باشد چه در عوائد دارد به تناسب جریبی بکریال معلوم میشود چه اندازه علاوه میشود.

مسکن است خود آقایان حساب کنند و به بینند چقدر زیادتر میشود در آذربایجان در این سنوات اخیر اهالی ده خوارقان که تمام آن باغات است بیک لایه مخصوصه بعد از جنگ شاک می بودند که ما از عهد مالیات جزء جمعی بر نمی آئیم.

اخیراً از طرف مالیه یکمده برای رسیدگی بشکایات اهالی آنجا رفتند و بنامد میبری نمایند که اگر باغات آنها خراب شده است از مالیات جزء جمع معاف باشند.

بالاخره نتیجه این میبری این شد که در سنه ماضیه چهارده هزار تومان علاوه شد.

حالا به بینند در یک مالیات جزء جمعی که کلیتاً هجده هزار تومان بود این بود که متعصن شده و اظهار کردند که این میبری برخلاف قانون بوده است.

میبری عمومی را هنوز مجلس دولت تصویب نکرده اند هر وقت میبری عمومی تصویب شد.

آنوقت باغات ما را هم میبری کنند. اینها نمونه و مدارکی است که ثابت میکند که اگر امروز ولایتی که سطحی هم میبری

بسیار خوب اصل عرضه و تقاضا کاری نداریم که در این ملک چیست ولی از زمانی که آقای ذکا الملک یک کتاب اقتصادی طبع کرده اند این اصل عرضه و تقاضا توی کوچه ها میدود همه بچه ها میدانند.

ولی ربطی با اصل موضوع ندارد در این جا مقصود چیست؟ اگر مقصود این است که سهمی به رعیت داده می شود بیش از آن حق ندارد که ما اصلا در آن موضوع حرفی نداریم البته آن چیزی که بر رعیت داده می شود موافق اصل عرضه است و طرفین با هم تراضی کرده اند.

یا اینکه فرض میکنیم چون سهم کار بیش از این نیست نمی شود بیش از این چیزی باو داد.

بهر حال ما به این کار بی ندامت بر رعیت چند داده می شود و زیاد یا کم داده می شود ربطی بموضوع امروزی ندارد ولی اگر مقصود مالیات است که از روی اصل عرضه و تقاضا میخواهند استغراج کنند.

بنده هر چه فکر میکنم که شجاع طور از روی عرضه و تقاضا این نتیجه را بیرون می کشید که باید از عایدات مالک عشر گرفت بنده نمی فهمم!

میفرمائید آنچه مردم به آن انس گرفته و عادت کرده اند آن خوبت یکی دیگر از آقایان همین اظهارات کردند این چیز فریبی است اگر بنده اشود که تنها عادات و اخلاق مردم را بخواهیم در نظر بگیریم اصلا مقنن نباید قانون بنویسد و ماده بندی نکند و بگوید این قانون است و بدست مردم برسد و اگر بخواهد تنها انسان مردم را در نظر بگیرد.

اصلا لازم نیست چیزی روی کاغذ بیآورد برای اینکه اگر مقصود ما نوسات باشد که مردم قبل از وضع قانون هم به آن عمل میکنند.

پس دیگر محتاج نیست مقنن مبادرت بوضع قانون نماید و حال آنکه مقنن کارش این است که آن عاداتی که در ملک هست و آنها را خوب نمیداند.

آنها را تعدیل و اصلاح کند و الا به دلیل این که چون تا اکنون معمول بوده حالاً هم باید معمول باشد بنده تصور میکنم از آن روزی که قانون اساسی را نوشته اند تا اکنون هر چه شده و هر چه کرده اند تمام برخلاف این اصلی است که ایشان اظهار کردند بجهت این که مضرانی که در ملک معمول شده مانوسات مردم نبوده و چیزهای جدیدی بوده است.

اینها هم يك مقدمات عملی است

شرحی از اصل عرضه و تقاضا فرمودند اینها هم يك مقدمات عملی است

اینها هم يك مقدمات عملی است







منفعت و عایدی دارد باید مالیات بدهد آن وقت آن رعیت هم باید مالیات بدهد اما این ربطی به آب و ملک ندارد.

آب و ملک منازش این است که سرمایه من آب و ملک است و هر چه آب و ملک بمن داده دولت باید مالیات بگیرد.

بلی یک چیز دیگری هست که بر آقایان تعمیم میشود و آن این است که در مملکت ایران قناعت خیلی زیاد است و خرج قناعت هم خیلی زیاد است و ملک هم تاملک بشود خیلی خرج دارد زیرا باید ملک را صاف کرد.

باید سیل بندی کرد.

باید ریگش را جمع آوری کرد.

سنگش را جمع کرد و تمام این مخارج را باید کرد تا اینکه ملک مملکت بشود و بلی مخارج سرمایه نباید استثناء شود و باید مخارج زراعت استثناء شود و قناعت من این است که بواسطه این اختلاف زراعتی که در مملکت هست زارع بعضی جاها مفاطمه است به معنی بعضی جاها عمله یعنی عمله بگیرند و آن وقت این عمله هازم میگیرند.

بعضی جاها نلک میبرند.

بعضی جاها دولت میبرند.

بعضی جاها نصف میبرند و بعضی جاها طور دیگر میبرند و این اختلافات زیاد است که هست بواسطه این است که بعضی جاها پدر بارهت است.

بعضی جاها کار با رعیت است.

بعضی جاها فقط رعیت می آید کار میکنند و پدر و گاو مال مالک است و اینجا رعیت خمس میبرد.

این اختلافات در زراعت زیاد است و چون شاهزاده داخل قسمت بافت شدند متهم داخل آن قیمت میشود.

بسیار خوب باغ است گاهی درخت میکارند.

گاهی صیفی میکارند و یک چیزی هم عاید صاحب آن میشود.

ولی این مالیات را اگر بخواهید بگیرد جایش اینجا نیست.

اگر بخواهید این مالیات را وصول کنید باید یک مالیاتی بر کل عایدات این مملکت وضع کنید و آن هم جایش در قانون میبزی نیست.

جایش در قانون مالیات تصاعدی است که هر کس عایدات داشته باشد باید سهمی بدهد و وقتیکه این مالیات را وضع کردید آن وقت فلاح هم عایدات دارد.

گاو دار هم عایدات دارد و باید هر کدام یک سهمی بدهند.

ولی آن ربطی باین قانون ندارد این قانون مال آب و ملک است و فرقی هم بین دیم و رودخانه و قنات و آب چاه مرکب و

بسیطش نیست.

اینجا نوشته است صدینج درصد در صورتیکه من آب میفروشم هر چه آب دارم و میفروشم باید دینکش را بدهم دیگر چرا صدینج من شده است؟

اصلا در ایران بسیاری جاهاست که مردم ملک خالی دارند و اصلا آب ندارند.

باینکه از دیگری آب میگردند یا اینکه ملک را میدهند بیک کسی میکارند و آن وقت فرسخ سالی پنجاه خوراکم در عوض میگیرند و اینجا ملک مطلق را همین نکرده است و باینکه شاهزاده میگوید همه جا سیر کرده ام مملکت اطلاعات ندارند و بنده زیادتر از ایشان سیر کرده ام و بلکه دولت ایران را گردش کرده ام.

مثلا در استانها باینکه رودخانه زیاد رود هست مملکت محتاج به آب چاه می شود.

زیرا تا دو ماه بعد از هید رودخانه آب دارد و آبش بالا است.

ولی دو ماه که از عید گذشت آب رودخانه یابین می رود و برای حصول مجبورند از چاه آب بکشند و در هر صورت آب بقدری انواع و اقسامش زیاد است که تفکیکش ممکن نیست که مثلا چاه را جدا کنیم یا دیم را جدا کنیم یا رودخانه را جدا کنیم زیرا خیلی جاهست که دولت آب از رودخانه می دهند و مایقیش را از باران میدهند.

بعضی جا هم برعکس است.

بعضی جاها هم کب است.

یاملا اطراف تهران قنات دارد رودخانه هم دارد.

ولی اینرا نمیشود از هم تفکیک کرد و بلکه باید بیک ترتیب و بنظم و نسق واحد و بطور عدل همین بکنیم و جهت ندارد که بگوئیم آنکه دیم است دیمک بدهد و آنکه آب میفروشد دیمک نهد یا آنکه ملک دارد دیمک بدهد.

ولی آنکسیکه قنات دارد دیمک نهد.

بنده این فرقا را مخالف و همان طور که عرض کردم کمیسیون هم محل نزاع را کم کرده است.

زیرا طوایح را هم داخل این قانون در صورتیکه محل نزاع آب و ملک است و باید دید که چه چیز از این دو عاید مالک شود و آن وقت یک حقی به دولت بدهد.

و اما فرمایش فرمودند که مالک نمی دانند عایداتش چیست.

این مسخره است چه طور نمیدانند؟

هر مالکی میداند که چقدر گیرش می آید.

مالک نمی فهمد چه چیز پارمیدهد؟

منتهی بعضی اوقات یکسال آنهمی - زنده کمتر گیرش می آید بیکه ال زیادتر گیرش می آید.

یک مسئله دیگری میخوام عرض بکنم و آن این است که هر قانونی که مادر این مملکت میگذرانیم باید ملاحظه صحت اجرائیش را هم بکنیم چرا؟

برای اینکه این مردمی که ملاحظه میکنند بعضی بیابانی و وحشی هستند و ماورین مامم که ما خوب رضایتی از همه شان نداریم یعنی همه از همه رضایت نداریم.

**شیروانی** - از هیچ کدامشان رضایت نداریم.

**مدرس** - حالت خوب هم دارد ولی باید قانون را بقسمتی وضع کرد که سهل-الاجرا باشد.

چون مخارج آب و ملک مخارج سرمایه است و مخارج سرمایه نباید استثناء شود و بلی مخارج زراعت باید استثناء شود.

اما مخارج سرمایه در هیچ فلسفه استثناء نمیشود.

من عرض کرده ام عشر شما اگر میخواهید بفراغید دوشتر من مانم بنستم.

من فقط عرضم این است که از آب و خاک باید گرفت.

حالا چقدر باید گرفت؟

من عقیده ام این است که عدل و انصاف مشر است و هر سال دیدید کم است زیاد کنید و دوشتر بگیرند.

حالا آقایان قبول مفرمانند که هیچ مالیاتش را بدهد.

پس اول قانون مالیات را جاری بکنید بعد زیاد کنید.

ولی اگر اول زیاد بکنید آن وقت در اجرائیش گیر میکنید و وقتیکه مشرش همین شد دیگر دوشتر و سه عشرش کاری ندارد و هر سال کمی میزدند دیدند کم است فوراً می آینه میفرمایند کم است ما هم همین جا که نشسته ایم فوراً زیاد میکنیم از هیچ جا هم صدایی بلند نمیشود برای اینکه حساب در دست است و عقیده من بر این است که این ماده را پیشنهاد کرده ام مطابق همین عرضی که کردم کسی از هر ملک هر چه قدر میبرد چه قنات باشد چه رودخانه باشد چه مرکب باشد چه نباشد باید به نسق واحد مالیات بدهد و بغیر این ترتیب فلسفه ندارد و اینکه عرض میکنم این قسم سهل الاجرا است یعنی چه؟

یعنی یک و را میبندد را اگر دوشتر برون و یک هفته مشرش را صرف بکنند در تمام دهات معقن میشود که مایه مالک چقدر است و اگر هم جایی نباشد و نرفته اند مقصدین محلی مانع هستند والا تمام مملکت را در نهایت سهولت میشود میزنی کرد و هیچ

ملی راجع باینکه قانون میزنی این مسئله مورد توجه نمایندگان معتمد گردیده است که دریافت مالیات قسمتی که تحویل بر رعیت شود غیر عادلانه است و بنابراین امضاء کنندگان پیشنهاد میکنند که ماده اول لایحه میزنی بر این اصل تنظیم شود که مالیات اعم از نقد و جنس یکمشر از کل عایدات مالک دریافت شود.

پیشنهاد آقای شریعت زاده.

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول قانون میزنی بترتیب ذیل اصلاح شود.

اراضی آب و دیم و مراتع و جنگلهای قنوات بدون اراضی - گاوچاه - طوایح و آب دنگ بترتیب ذیل مالیات دریافت خواهد شد.

۱- از سهم مالکین بعد از وضع صدی یازدهم برای مخارج امور زراعتی ۱۰ درصد.

۲- از سهم زارعین بعد از وضع صدی یازدهم ۳ درصد.

تیمبر (۱) و جوهریکه از مالیات مقرر در قسمت دوم این ماده بدست خواهد آمد برای صرف در امور وضعی زارعین مملکت اختصاص داده میشود که بوسیله صحبه کل مملکتی خرج شود.

تیمبر (۲) مالیات جنگلهای و مراتع بر عایداتی تعلق میگیرد که صاحبان جنگلهای و مراتع از راه اجاره یا فروش و یا استفاده مستقیم خود از منافع آن بدست می آورند.

پیشنهاد آقای صدق السلطنه بنده پیشنهاد میکنم از عایدی مالک نقد و جنس از آبی - دیمی و رود آب یکمشر ماخوذ شود.

پیشنهاد آقای باسانی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول برای خالصجات انتقالی صدی ۳ مالیات بعد از مخارج مقرر شود.

ایشان پیشنهاد آقای باسانی - بنده بعد از ماده اول ذیل را پیشنهاد میکنم تا تعصیل اجرائی موقوف شود ماده - در ریاضت مالیات باین ترتیب می شود که اداره مالیه محل در ضمن اختطاری ضراب الاجل مواعد پرداخت مالیات را اعلام میدارد.

رئیس این پیشنهاد راجع ب ماده اول نیست.

پیشنهاد آقای طهرانی (بشرح ذیل قرائت شد) در ماده اول قانون میزنی اینطور

پس از وضع مخارج لازم و حق رعیت در آبی یکمشر و دوشتر از حق مالک دریافت میشود.

پیشنهاد آقای حائری زاده - حائری زاده عرض ماده اول خبر کمیسیون قوانین مالیات قسمت (الف) از ماده اول لایحه دولت را مورخه (۶) برج جمادی ۱۳۰۰ تحت شماره ۳۱۷۴۶ با ۵ تبصره ضمیمه آن پیشنهاد نماید.

پیشنهاد آقای مدرس رئیس قرائت شده است پیشنهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود.

ماده اول مالیات از کل عایدات متوسط سهمی اربابی از املاک اربابی (باستثنای خالصجات انتقالی) بقرار ذیل دریافت میشود.

پیشنهاد آقای آقا میرزا زاید الله خان بنده پیشنهاد میکنم ماده اول به این ترتیب اصلاح شود:

مالیات املاک اربابی اعم از آبی و دیمی و جنگل و قیر از عایدی خالص مالکانه یکمشر دریافت میشود.

ایشان پیشنهاد آقای مساوات بنده ماده اول را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده اول - مالیات از کل عایدات متوسط صاحبان املاک اربابی (باستثنای خالصجات انتقالی) بقرار ذیل دریافت می شود تا آخر ماده.

پیشنهاد آقایان آقا سید حبیب الدین و آقا سید یاقوب - پیشنهاد میکنم در ماده ۱ بطریق ذیل نوشته شود:

از عایدات املاک مطلقاً اعم از آبی دیمی چاه آب یا خالص یا زمین تنه هموماً بعد از وضع مخارج زراعتی در سالی هشر گرفته شود.

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا در عرض قسمت ملکی ماده اول لایحه میزنی اینطور پیشنهاد میکنم:

از عایدات حقیقی ملک پس از ترتیب ذیل صد ۱۰ در قنات برای مخارج صد ۲۰ در رود آب صد ۱۰ کسر شود در دیم بر جنگل و مرتع بدون کسر.

تبصره عایدات حقیقی ملک عبارت از آن است که آن ملک یا نظائر آن را بدون آفت چه مقهر یا چه - جلع اجاره نمینماید.

رئیس اجازه میفرمایند چون پیشنهادها زیاد است مراجع شود کمیسیون؟

**بعضی از نمایندگان** - صحیح است.

رئیس - بقیه مذاکرات بنماید برای روز شنبه.

چند فقره سؤال از وزارت مالیه شده

یکی مواد خارجی است.

یک بدبختی ملک دارد گندمش را که می آورد تحویل اداره ارزاق می دهد می گویند ۵۰ من مواد خارجی دارد آن وقت یک خروار گندم را که اداره تحویل میگیرد خیلی زیاد که آن بیچاره فروخته امیراز بکنند ممکن است ۶۰۰ من بیش قبض بدهند والا همان پنجاه و پنج من یا پنجاه من رقبض می دهند و آن وقت این مواد خارجی را که حساب میکنیم مطابق اعلانی که کرده اند میبایست ۹۵۰ من گندم بگیرند و صد من قبض بدهند و بر فرض اینکه آفت را هم قبول کنند آن وقت تازه آن ۵۰ من را هم با آنها حساب نمیکنند.

خودشان میگویند ۹۵۰ من گندم بدهد.

صد من قبض بگیرد ولی آن گندمی را که می آورند نمیگیرند این گندم خرواری ۵۰۰ من آفت دارد.

اما مملکت آن ۵۰۰ من را هم قبول نمی کنند.

بعلاوه از آن بدبختی که گندم را آورده است تحویل بدهد خرواری شش عباسی حالی از او مطالبه میکنند که بیرند توی انبار بریزند رعیت بیچاره هر چه میگوید من خودم گندم را تا اینجا آوردم خودم هم میبرم توی انبار میریزم حالی لازم نیست خودم میبرم خالی میکنند میگویند خبر - ما چون بوجارو حمل آورده ایم و حقوق میدهیم از این جهت باید پول حالی را بدهد و قبض هم می دهند بدون قبض هم نیست قبضشان هم خیلی یا کیزه و باسم و رسم است.

این بود که خواستم ببینم وزارت مالیه در این باب چه میفرمایند؟

معاون وزارت مالیه قسمت تسعیر جو را که آقا اظهار فرمودند همین طور است خرواری یک مبلغی تسعیر شده است و تفاوتی هم بین این دو هست.

ولی بی علت هم نیست و علتش این است که جنسی که مطالبه میشود در بوالیات سال گذشته است و چون در سال گذشته نبرداخته اند.

بنابراین امسال که از آنها می شود بخواهند همین جنس را بدهند.

در صورتیکه عین جنس مورد احتیاج نیست و قیمتش را هم بخواهند بدهند.

قیمت جنس در هذالسنه از سال گذشته که در این است که ما مور مالیه میگویند جنس را اگر در سال گذشته داده بودید صحبت تسعیر در میان نمی آمد ولی چون بوضع خود ندادند و در هذالسنه میخواستند بدهد باید بقیمتی که در موقع ادای خودش دادا بوده است بدهد و این هم منتهی بر اوراق تنها نیست و شاید نظیرش در سایر نقاط هم اتفاق می افتد.

پس از وضع مخارج لازم و حق رعیت در آبی یکمشر و دوشتر از حق مالک دریافت میشود.

پیشنهاد آقای حائری زاده - حائری زاده عرض ماده اول خبر کمیسیون قوانین مالیات قسمت (الف) از ماده اول لایحه دولت را مورخه (۶) برج جمادی ۱۳۰۰ تحت شماره ۳۱۷۴۶ با ۵ تبصره ضمیمه آن پیشنهاد نماید.

پیشنهاد آقای مدرس رئیس قرائت شده است پیشنهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود.

ماده اول مالیات از کل عایدات متوسط سهمی اربابی از املاک اربابی (باستثنای خالصجات انتقالی) بقرار ذیل دریافت میشود.

پیشنهاد آقای آقا میرزا زاید الله خان بنده پیشنهاد میکنم ماده اول به این ترتیب اصلاح شود:

مالیات املاک اربابی اعم از آبی و دیمی و جنگل و قیر از عایدی خالص مالکانه یکمشر دریافت میشود.

ایشان پیشنهاد آقای مساوات بنده ماده اول را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده اول - مالیات از کل عایدات متوسط صاحبان املاک اربابی (باستثنای خالصجات انتقالی) بقرار ذیل دریافت می شود تا آخر ماده.

پیشنهاد آقایان آقا سید حبیب الدین و آقا سید یاقوب - پیشنهاد میکنم در ماده ۱ بطریق ذیل نوشته شود:

از عایدات املاک مطلقاً اعم از آبی دیمی چاه آب یا خالص یا زمین تنه هموماً بعد از وضع مخارج زراعتی در سالی هشر گرفته شود.

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا در عرض قسمت ملکی ماده اول لایحه میزنی اینطور پیشنهاد میکنم:

از عایدات حقیقی ملک پس از ترتیب ذیل صد ۱۰ در قنات برای مخارج صد ۲۰ در رود آب صد ۱۰ کسر شود در دیم بر جنگل و مرتع بدون کسر.

تبصره عایدات حقیقی ملک عبارت از آن است که آن ملک یا نظائر آن را بدون آفت چه مقهر یا چه - جلع اجاره نمینماید.

رئیس اجازه میفرمایند چون پیشنهادها زیاد است مراجع شود کمیسیون؟

**بعضی از نمایندگان** - صحیح است.

رئیس - بقیه مذاکرات بنماید برای روز شنبه.

چند فقره سؤال از وزارت مالیه شده

یکی مواد خارجی است.

یک بدبختی ملک دارد گندمش را که می آورد تحویل اداره ارزاق می دهد می گویند ۵۰ من مواد خارجی دارد آن وقت یک خروار گندم را که اداره تحویل میگیرد خیلی زیاد که آن بیچاره فروخته امیراز بکنند ممکن است ۶۰۰ من بیش قبض بدهند والا همان پنجاه و پنج من یا پنجاه من رقبض می دهند و آن وقت این مواد خارجی را که حساب میکنیم مطابق اعلانی که کرده اند میبایست ۹۵۰ من گندم بگیرند و صد من قبض بدهند و بر فرض اینکه آفت را هم قبول کنند آن وقت تازه آن ۵۰ من را هم با آنها حساب نمیکنند.

خودشان میگویند ۹۵۰ من گندم بدهد.

صد من قبض بگیرد ولی آن گندمی را که می آورند نمیگیرند این گندم خرواری ۵۰۰ من آفت دارد.

اما مملکت آن ۵۰۰ من را هم قبول نمی کنند.

بعلاوه از آن بدبختی که گندم را آورده است تحویل بدهد خرواری شش عباسی حالی از او مطالبه میکنند که بیرند توی انبار بریزند رعیت بیچاره هر چه میگوید من خودم گندم را تا اینجا آوردم خودم هم میبرم توی انبار میریزم حالی لازم نیست خودم میبرم خالی میکنند میگویند خبر - ما چون بوجارو حمل آورده ایم و حقوق میدهیم از این جهت باید پول حالی را بدهد و قبض هم می دهند بدون قبض هم نیست قبضشان هم خیلی یا کیزه و باسم و رسم است.

این بود که خواستم ببینم وزارت مالیه در این باب چه میفرمایند؟

معاون وزارت مالیه قسمت تسعیر جو را که آقا اظهار فرمودند همین طور است خرواری یک مبلغی تسعیر شده است و تفاوتی هم بین این دو هست.

ولی بی علت هم نیست و علتش این است که جنسی که مطالبه میشود در بوالیات سال گذشته است و چون در سال گذشته نبرداخته اند.

بنابراین امسال که از آنها می شود بخواهند همین جنس را بدهند.

در صورتیکه عین جنس مورد احتیاج نیست و قیمتش را هم بخواهند بدهند.

قیمت جنس در هذالسنه از سال گذشته که در این است که ما مور مالیه میگویند جنس را اگر در سال گذشته داده بودید صحبت تسعیر در میان نمی آمد ولی چون بوضع خود ندادند و در هذالسنه میخواستند بدهد باید بقیمتی که در موقع ادای خودش دادا بوده است بدهد و این هم منتهی بر اوراق تنها نیست و شاید نظیرش در سایر نقاط هم اتفاق می افتد.



گمان می‌کنم برای اینکه این قبیل اختلافات اتفاق نیفتد البته مقتضی این است که مؤدیان مالیاتی در موقع ادای مالیات عین جنس را هر چه هست بپردازند تا اینکه مجبور نشوند در سال بعد گرفتار اینگونه اختلافات بشوند.

اما در باب اینکه نسبت به آفت جنس که تسلیم میشود.

در این قسمت شاید یک اشکالاتو زحمتی پیش بیاید.

ولی اینها ناشی از این است که غالباً جنس آن طوری که انبار هستند و باید برای ارزاق عمومی باک و تمیز باشد نیست و البته اگر جنس پاک کرده و تمیز باشد مستقیماً می‌دهد پانبار و قبض می‌گیرند.

ولی در صورتیکه عنوان آفت در میان باید در همین شکایات باالطیبه از طرف مؤدیان پیش می‌آید و اینکه آنچه را که از بابت آفت محسوب میکنند باو مسترد نمیکنند بری این است که مخارج بوجاری را نمی‌دهند اگر مودی مالیات مخارج بوجاری را بدهد مقدار آفت از خاک و سنگ و گزول و گندم خراب هر چه باشد عیناً باو تسلیم میشود.

ولی اغلب این طور است که مخارج بوجاری را نمی‌دهند و آن مقدار آفت را هم می‌خواهند بگیرند از این جهت است که با آنها مسترد نمی‌شود.

و بطور کلی اینها یک مقرراتی است چه در انبار تهران و چه در انبارهای خارج تهران در اداره ارزاق این مقررات هست و تمام یکسان است و از طرف مالیه هم سعی میشود که تعدی و اجحاف نشود.

ولی بنده شبهه ندارم که یک رعیت بیچاره که رفته است و جنس را تهیه کرده و قتیقه می‌رود به انبار دولتی که جنس دولت را بدهد این تکلیف برای او شاق است.

ولی این یک چیزی است که اداره انبار باید معادل او خرج کند و برای همین مسئله اداره انبار یکمده حال هائی را نگاه داشته است که از یک سمت وارد کند و از یک سمت خارج نماید.

**حاج آقا اسماعیل عراقی - راجع** باینکه میفرمایند جنس مال سنوات گذشته بوده است.

تصور میکنم اگر یک همچو زاپرتی اداره داده باشد اشتباهی در آن راپورت گرفته باشد.

این جنس راجع بسنه گذشته نیست راجع بههالسنه است شاید اگر راپورت آمده است بوزارت مالیه و رئیس مالیه این راپورت را داده او هم اشتباهی کرده است.

**رئیس - آقای شریعتدار دامغانی** در باب شتر های انار کی سوال داشتند؟

**شریعتدار دامغانی - موقش** گذشته.

**رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا** نیستند.

آقای احتشام الحکماء در باب بلدییه اصفهان سئوالی دارند.

**احتشام الحکماء - بنده** راجع به بلدییه و ولایات عمومیه که راجع بلدییه اصفهان خصوصاً میفرمایند عرض کنم که بلدییه است نواقض یکی از موسسات ملی و بلدی است که بایستی مابقی او به مصارف بلدییه برسد و متأسفانه مالیه مداخله میکند و یکمقداری که صورت داده اند به بلدییه داده میشود.

اهالی اصفهان شکایات دارند که بعد از وضع مخارج آن مقداری که بلدییه می‌دهند کمتر از عایدات آنست.

این است که میخواستم سئوال کنم در صورتیکه اصفهان بلدییه دارد چرا عایدات نواقض را خود بلدییه نمی‌گیرد که اگر عوایدی دارد به مصارف شهر برسد و خرجش هم شاید کمتر باشد.

**معاون وزارت مالیه - سئوالی** که آقا فرمودند ناشی از شکایاتی است که که از اصفهان رسیده از طرف کسانی که ذی دخل در امور بلدییه بوده اند و البته نظرشان هم نفع عمومی بوده است و لیکن مکرر در این مسئله اظهار شده است که کسانی هستند در آن جا که عایدی نواقض را زیادتر از آنچه که امروز عایدی می‌دهد اجاره میکنند و شکایات داشته اند از اینکه دولت که اخذ عواید نواقض را میکند یک مخارج هنگفتی در مقابل میکند که عایدات خالصش نسبتاً کمتر است از آنچه آنها اجاره میکنند.

در این مسئله رسیدگی هائی شده است.

و بالاخره نتیجه عبارت از این شده است که عیناً چه در اصفهان خصوصاً و چه در ولایات دیگر عموماً یعنی در نقاطی که یک انجمن موسوم بانجمن بلدییه هست این ترتیب برقرار شده است که فقط از نواقض آنچه اخذ میشود معادل یکمدر برای مصارف آبله کوبی تخصیص بدهند و مازاد آنچه هست تسلیم بلدییه کنند.

اما اینکه گفته میشود مخارجی که برای اخذ نواقض میشود خیلی گزاف است.

عرض میکنم آنچه که ممکن بوده از طرف وزارت مالیه تقابل در این مخارج داده شده و کمتر از این نمیشود و بعضی از نقاط هم که شکایات کرده اند جواب داده شده است.

زیرا هم دولت از مأمورین اداره نواقض در سایر شعب مالیاتی استفاده عملی میکند و هم مأمورین نواقض بهتر میتوانند در اخذ

عوارض کار کنند.

و سایر شعب مالیاتی هم چون از مأمورین نواقض استفاده میکنند و با سایر مأمورین کمک میکنند در واقع یک مصرفی خرجی است برای دولت که یک امور در آن واحد میتواند کارهای را که اضافه بر حدود وظیفه اوست بکند این است و با امتحانات زیادی که در وزارت مالیه شده است و اگرداری نواقض بطور اجاره و دادن بدست اشخاص یا اینکه منتزع کردن از ادارات مالیه مقرون بصرفه دولت نیست و آنچه هم که اخذ میشود بعد از وضع مخارج و عشر عواید برای صعبه بقیه آن صرف بلدییه میشود و اگر در هر نقطه اتفاق افتاده باشد که بقیه از مخارج و مصرف آبله کوبی چیز دیگری از عایدات بلدییه برداشته شده است.

بنده تنها میکنم بفرمایند که یک همچو مبلغی از عواید بلدییه صرف چیز دیگری شده تا آن وقت آن را تعقیب کنیم و به بینم چه بوده است.

**رئیس - آقای احتشام الحکماء** یک سوال دیگر راجع به میزبانی املاک غیر خالصه اردستان دارند.

**احتشام الحکماء - بنده** میخواستم عرض کنم که قانون میزبانی هنوز از مجلس نگذشته و اهالی اردستان و سایر نقاط مختلفه مملکت شکایات دارند مخصوصاً از اصفهان شکایات کرده اند که مأمورین مالیه آمده اند کارندازم خوش سابقه باید سابقه هستند) و اسباب زحمت مردم شده اند باین ترتیب که آن جاهائیی را مالیاتشان کم است زیاد کرده اند آن جاهائیکه مالیاتشان زیاد است هیچ تخفیفی داده نشده در صورتی که اولاً.

میزبانی برای این است که مالیات عادلانه وضع شود.

و ثانیاً چه جهت دارد بدون تصویب مجلس شورای ملی میزبانی میکنند و مالیات وضع میکنند.

معاون وزارت مالیه همینطور است که آقا فرمودند.

حقیقه باید میزبانی بوجوب قانون باشد و آن قانون هم باید از مجلس بگذرد و بهیچ جهت هم هست که لواجیب تهیه شده و تقدیم مجلس شورای ملی شده است ولیکن وزارت مالیه در حین عمل احتیاج پیدا میکند یک بازبدهی قائلی که آنها میکنند است میزبانی عملی بنام معنای میزبانی نباشد و یک بازبدهی باشد که رفع اختلاف بین مؤدیان مالیاتی و دولت بشود.

این مسئله انحصار بآن نواحی ندارد و در اغلب نقاط هست.

املاکی هست که اختلاف بین مالک و دولت میشود.

املاکی هست که سکنه ندارد و خراب می‌افتد.

همچنین املاکی هست که کم مالیات است.

و همینطور املاکی هست که جدید الاحداث است مالیات نمی‌پردازد.

دولت برای اینکه مجبور نشود از جزو جمع خودش کم بکند و ثلث در عواید مملکت حاصل نشود از این قبیل موارد که بنظر کم مالیات می‌آید یا جدیدالتسویب آن جا گرفته شود این است که آن جاها را یک بازبدهی میکنند تا قانون میزبانی از مجلس بگذرد و البته وقتی آن قانون گذشت در تمام مملکت اجرا میشود.

**احتشام الحکماء** اولاً در اردستان مالیات دادن بطریق پنجمه است و هرگز اختلافی در بین نیست.

ولی در دهات اصفهان جاهائیی هست که مالیات نداشته و حالا مالیات وضع شده است و خودشان تصدیق فرمودند برای اختلافاتی است که بین مالیه و مؤدیان مالیات پیدا میشود آنجاها یک مالیات نمی‌دهند چه اختلافی دارد و بیلازمه میزبانی باید بتصویب مجلس و عادلانه باشد.

**رئیس - آقای تهران** راجع به تعمیر سد و جلوگیری از قبیل سیل نیز بزرگ سئوالی کرده بودند.

**آقای شریعتدار دامغانی** این سئوال را بنده سابق کرده بودم حالا عرضی ندارم.

**رئیس - آقای دستغیب** دستغیب راجع به دستغیب راجع باحد مالیات از ایلات خمسه فارس.

**دستغیب - بنده** دو سؤال از وزارت مالیه کرده بودم که یکی راجع بایلات خمسه بود و تقریباً ۳ ماه است اسناد آن توی پهل و جیب من بود و ایشان در این مدت حاضر نمی‌شدند برای جواب حالا اسناد نزد بنده نیست.

اگر فراموش نکنم بنده اسناد را برای جلسه آتی حاضر میکنم و تشریف می‌آورم جواب بگویند.

**معاون وزارت مالیه** فراموش نشده است سئوالی که آقا فرموده اند و محتاج بوده است یک اطلاعاتی که از محل باید پیدا کرد به آنجا نوشته شده است و این مدت هم برای وصول اطلاعات محلی بوده است و حالا که جواب رسیده است حاضر جواب عرض کنم.

**رئیس - آقای کازرونی** راجع به مالی مال التجاره در دواجر گمرکات سئوالی داشتند.

**کازرونی** بنده دو سؤال دارم و اینها هم یک سؤالهای حلی است و نقضی نیست و امیدوارم آقای معاون محترم هم جواب بفرمایند.

سئوال اول من راجع بسئواله حمالی گمرکات است.

حمالی گمرکات یعنی حامل مال التجاره در گمرکات اصولاً متعلق و مربوط بتجارت است خود تجار معمولاً یک نفر حامل پاشی از طرف خودشان امین می‌دانند می‌کنند آن حامل پاشی بعد از آن که تجار مال التجاره شان از گمرک خارج شد و حقوق گمرکی را تأدیبه کردند توسط آن حامل پاشی مال التجاره در خارج کت می‌دهم این امر بهیچ وجه مربوط بدولت و گمرک نبوده لکن گمرک هم البته یک علاقه هائی نسبت به مال پاشی دارد بواسطه اینکه حمل و نقل میکند مال التجاره را و بایستی یک نظری داشته باشد.

ولی بطوری که بنده اطلاع پیدا کرده ام از طرف وزارت مالیه یک حکمی صادر شده است با یک دستوری داده شده با اداره گمرکات که حتی الامکان حامل پاشی ها را در تحت اراده و اداره خودشان اداره کنند.

بیلازمه اگر فاضل از خرج هم چیزی داشته باشد یعنی عوایدی داشته باشد جزو مالیات عمومی منظور ندارند.

حالا بنده نمیخواهم چندان مخالف باشم با اینکه گمرک دخالت داشته باشد در تعیین حامل پاشی لیکن اگر فاضل مایلندانی داشته باشد بنده هیچ دلیلی برای آن نمی‌بینم که جزو مالیات عمومی باشد و سراغ ندارم که یک اجازه از طرف مجلس داده شده باشد بوزارت مالیه که هیچ عوایدی را برای خودشان تأمین کنند والا ممکن است بهزار طریق دیگر دست بپندازند و یک چیزی بگیرند و مردم هم بدهند لکن قانون نیندازم بطور اجازه می‌دهد؟

اگر چنانچه وزارت مالیه دستور می‌داد که اداره گمرکات تصرفی بکند و حامل پاشی معین کند و اگر فاضل مایلندانی داشته باشد بجهت تسهیل حمل و نقل امور تجار مصرف کنند چندان اشکال نداشتم لیکن تمام اشکال بنده این است که اگر بنا باشد اینهم یکی از منابع عواید دولت باشد از زمانی که لازمه این کار است.

اولاً دولت باید عهددار باشد و ثانیاً یک تصرفی است و یک حق اختصاص مردم.

من تأدیبه حقوق گمرکی را که کردم خود مالکم و خود اختیار دارم بهر وسیله که مقتضی می‌دانم مال را حمل کنم.

سابقاً هم اینطور بوده و هیچوقت اینطور نبوده که گمرک تصرف در این مسئله بکنند.

حالا بنده خواستم سئوال کنم راستی اینطور است که گفته شده؟

و اگر حقیقه اینطور است ببینیم برای چه و بچه دلیل اینطور شده و یک همچو دستوری داده شده بر برای چه گفته اند

عوامش هم جزو عواید عمومی باشد این را فرمایند از روی چه قانون و دلیل است سئوال دیگری که دارم این است که در بندرتنگه بلدییه نبوده و بعضی از تجار تصمیم گرفتند که یکمقداری اتومبیل وارد کنند برای حمل و نقل و برای تشویق سایر مردم لیکن اداره مالیه به آنها گفته که اگر اتومبیل وارد کردید ولو اینکه بلدییه هم نباشد در هر ماهی باید ۷ تومان برای هر اتومبیل بدهید.

در صورتیکه این پولها را باید بلدییه بگیرد و بصرف خود بلدییه و شهر برسد برای چه یک همچو پولی را اداره مالیه از مردم مطالبه میکند.

در صورتیکه بکنده از تجار می‌خواهند خدمتی کرده باشند و همت کرده اند این مطالبه مالیه از چه راه و مطابق کدام قانون است؟

شاید هم مطابق قانون باشد.

ولی بهر صورت این از چه راه است که مطالبه میکنند خواهش میکنم جواب حلی بفرمایند که بفهمم از چه راه است.

**معاون وزارت مالیه** اجازه می‌فرمائید جواب قسمت دوم سئوال ایشان را اول عرض کنم اتفاقاً در این مسئله وزارت مالیه خواست خیلی مراقب باشد که برخلاف قانون عملی نکرده باشد بجهت اینکه قانون یک تکلیفی و دستوری معین کرده است که معاقبت بدون تصویب مجلس شورای ملی بهیچوجه منالوجوم ممکن نیست البته خیلی معافیت ها هست که ممکن است فوائد کثیره بهم داشته شده.

ولی مادام که وزارت مالیه از طرف مبادی عالی مجاز نباشد متأسفانه نمیتواند از هوائندی که مملکت زار در صرف نظر کند چنانچه پیشم خودمان دیده ایم وزارت مالیه خیلی شایق بوده و خواسته است یک کار بکند برای تشویق آن کسانی که اتومبیل می‌خواهند وارد کنند.

ولی مقدور نبوده و یک طوری هم تجار جواب داده شده که ممکن است آن مبلغی را که از بابت ماهیانه اتومبیل باید تأدیبه کنند آن مبلغ را بیش یک نفر جمع کنند و از آن مبلغ راه بسازند یا سایر مخارج محل را تأمین کنند و در هر صورت مقصود رعایت قانون بوده است.

اما در خصوص حمالی گمرکات این مسئله اختصاص بگمرکات بوشهر و گمرکات بنادر خلیج ندارد در سایر نقاط هم همینطور است.

که در اداره گمرکات مشغول کارند تحت اراده و اداره گمرک باشد و بسا اتفاق می افتاده است که یک کسی حمالی فلان بندر و محل گمرک را اجاره می‌کند و بواسطه اعتمادی که نسبت بشخص حمالی داشته

اند این کار را باو واگذار می‌کند و او هم موظف بوده که بارهای مردم را بکشتی برساند بازرگانی بیرون بیارند این معمول بوده و اداره گمرکات هم تصرفاتی نمی کرده.

اما این دلیل نیست که گمرک حق تصرف در این کار نداشته باشد زیرا بر طبق نظام نامه گمرکی چنانچه ماده صد و یازده نظام نامه گمرکی را اگر ملاحظه بفرمائید این یکی از مسائلی است که جزء تکالیف اداره گمرکات است و باید این قسمت حمالی را اداره گمرکات در تحت اداره خودش بیاورد و این حمالی هم فقط عبارت از این نیست که چند نفر حمالی امروز مثلاً در فلان جا مشغول کارند شاید انشاءالله بگذردی تجارت ترقی کند و ترتیباتی پیدا کند که یک موسسات هریش و طویلی در بنادر ما پیدا شود که محتاج بحمل و نقل و حمل بشویم البته آن وقت ترتیباتی خواهد داشت.

حالیها باید با نمره باشند دارای نشان باشند و در تحت یک اداره مرتب و منظمی در آیند و این مسئله انحصار بگمرکات ندارد راه آهن هم اگر پیدا کردیم باید همینطور باشد.

منتهی اینکه میفرمایند عواید حاصله از این راه اداره گمرکات جزء مالیات ضبط میکنند.

ظاهر آن اینطور بنظر می‌آید ولی خیر ضبط نمیکنند فنیته میشود و برای اینکه این قبیل هائیداتی که از حمالی و حمالی پاشی پیدا میشود کنار بگذارد برای مصارف دیگر که تدریجاً برای سروسر حمالی خورده بتواند کارهای تازه بکند و امیدواریم هر چه دولت میتواند از این راه استفاده کند و بصرف خودش برساند و بکمال دو سال دیگر ببینیم سواحل ما هم آنچه را که تا حال دارا نبوده است بعدها دارا بشود.

**بهتر از این چیست؟**

**کازرونی** فرمودند در قسمت گرفتن ماهی ۷ تومان از اتومبیل مقصود مالیه این نبوده است که برخلاف قانون رفتار نکنند بلکه تشویق هم کرده باشند.

بنده هم سئوالم این بود که کدام قانون گفته است از بندرتنگه یا در سایر ولایات این مبلغ گرفته شود اگر در نظر آقای معاون هست که یک همچو قانونی از مجلس گذشت آن قانون راجع بلدییه تهران بود راجع بلدییه ولایات باید انجمنهای بلدی ولایات خودشان عوایدی برای محل تشهیب بدهند شاید به هانجمن بلدی یکی از ولایات مقتضی دانست که ماهی ۱۰ تومان یا بیشتر یا کمتر از اتومبیل گرفته شود مقتضی دانست که هیچ بگیرد.

ولی در هر صورت قانونی از مجلس نگذشته.

راجع بگرفتن ماهانه از اتومبیل

در ولایات.

میفرمایند این پول راجعی نگاه می دارند که بصرف چیز هائی که عام المنفعه است برسانند.

این را بنده نفهمیدم از روی چه قاعده است که ما یک پولی را با اداره خودمان بگیریم و باراده خودمان به مصارف عام المنفعه برسانیم در صورتیکه گرفتن این پول عیناً مانع ترقی و پیشرفت مملکت است در حالی که عرض کردم هنوز بلدییه در آن جا وجود ندارد.

اما در خصوص ققره حمالی پاشی میفرمایند این مسئله اختصاص ببندر بوشهر ندارد و دستور داده ایم که حتی الامکان اینکار را بکنند میفرمایند ماده صد و یازده نظام نامه گمرکی همچو منویسه که اداره گمرکات حمالی پاشی را باید در اداره خودش در بیاورد.

بنده عرض کردم یک روایتی بین حمالی پاشی و گمرکات باید باشد و بنده خواستم آن رابطه را سلب کنم عرض بنده راجع باین است که اگر چنانچه عوایدی داشته باشد چرا باید جزء مالیات عمومی آن عواید را در آورند.

فرمودند این پول را برای یک موسساتی که بعد ممکن است تشکیل شود ضبط میکنم از قبیل جراثقیل یا چیز های دیگر.

برای آن مصارف نگاه می‌داریم.

اگر مقصود این است شاید بنده هم مخالف نباشم.

مقصود بنده این بود که بفرمایند آیا این عواید را جزء مالیات عمومی ضبط میکنند یا اینکه ضبط میکنند برای یک موسسات عمومی راجع به همان مال التجاره و در هر صورت چنانچه عرض کردم مسئله حمالی پاشی یک چیزی است که از مختصات تجار است.

**معاون وزارت مالیه** اجمالاً بنده همونو نمی‌فهمم که آقای کازرونی نظرشان این است که اگر چیزی از این راه عاید شود بصرفانی که مربوط باین کار باشد برسد و البته نظر دیگری ندارند که اگر چیزی از این راه عاید شود بیک شخص بخصوص برسد.

بنده هم عرض کردم اگر چیزی از این راه عاید شود بصرف همان محل خواهد اختصاص داشته بطبقه تجار از یک جهت همین طور است.

ولی از حیث دیگرش که مشاوتیت حمالی و حمالی پاشی است شاید اینطور نباشد برای اینکه حمالی و حمالی پاشی یک موضوعی است که اختصاص بشخص معینی ندارد.

زیرا حمالی برای این است که سایر

در ولایات.

میفرمایند این پول راجعی نگاه می دارند که بصرف چیز هائی که عام المنفعه است برسانند.

این را بنده نفهمیدم از روی چه قاعده است که ما یک پولی را با اداره خودمان بگیریم و باراده خودمان به مصارف عام المنفعه برسانیم در صورتیکه گرفتن این پول عیناً مانع ترقی و پیشرفت مملکت است در حالی که عرض کردم هنوز بلدییه در آن جا وجود ندارد.

اما در خصوص ققره حمالی پاشی میفرمایند این مسئله اختصاص ببندر بوشهر ندارد و دستور داده ایم که حتی الامکان اینکار را بکنند میفرمایند ماده صد و یازده نظام نامه گمرکی همچو منویسه که اداره گمرکات حمالی پاشی را باید در اداره خودش در بیاورد.

بنده عرض کردم یک روایتی بین حمالی پاشی و گمرکات باید باشد و بنده خواستم آن رابطه را سلب کنم عرض بنده راجع باین است که اگر چنانچه عوایدی داشته باشد چرا باید جزء مالیات عمومی آن عواید را در آورند.

فرمودند این پول را برای یک موسساتی که بعد ممکن است تشکیل شود ضبط میکنم از قبیل جراثقیل یا چیز های دیگر.

برای آن مصارف نگاه می‌داریم.

اگر مقصود این است شاید بنده هم مخالف نباشم.

مقصود بنده این بود که بفرمایند آیا این عواید را جزء مالیات عمومی ضبط میکنند یا اینکه ضبط میکنند برای یک موسسات عمومی راجع به همان مال التجاره و در هر صورت چنانچه عرض کردم مسئله حمالی پاشی یک چیزی است که از مختصات تجار است.

**معاون وزارت مالیه** اجمالاً بنده همونو نمی‌فهمم که آقای کازرونی نظرشان این است که اگر چیزی از این راه عاید شود بصرفانی که مربوط باین کار باشد برسد و البته نظر دیگری ندارند که اگر چیزی از این راه عاید شود بیک شخص بخصوص برسد.

بنده هم عرض کردم اگر چیزی از این راه عاید شود بصرف همان محل خواهد اختصاص داشته بطبقه تجار از یک جهت همین طور است.

ولی از حیث دیگرش که مشاوتیت حمالی و حمالی پاشی است شاید اینطور نباشد برای اینکه حمالی و حمالی پاشی یک موضوعی است که اختصاص بشخص معینی ندارد.

زیرا حمالی برای این است که سایر



بپرد اگر يك چیزی مفقود بشود یا خراب شود یا سرقت شود مسئول آن حمال باشی است و تجار هم که از طرف خودشان او را معین کرده اند برای همین مسئله بوده که مسئولیت این قبیل مسائل به عهده خود آنها باشد.

ولی گاهی اتفاق می افتد که اداره گمرک مثلا میگوید شما این مسئولیت را بعهده بگیرید و من يك اداره حمالی دارم و مسئولیت را خودم بعهده میگیرم و اداره میکنم و این قضیه نیست که محتاج به باجه زیاد باشد يك امری است بطور کلی که باید در تحت يك اداره در آید و مرتب شود و باید حمال ها را با اسلحه و دهنده آفتابان نظری ندارند جز اینکه یکباری بدهند و حمال ها بارشان را بکشند بپرند و مطمئن باشند که عیبی نخواهد کرد و خامار آقای کازرونی انشاء الله از این باب آسوده خواهد شد و بتدریج مرتب خواهد گردید.

رئیس - خیل از اینکه جابه را ختم کنیم ۳ فقره راپورت از کمیسیون مرخصی و در پیشنهاد رسیده است قرائت میشود و رأی میگیریم.

(راپورت کمیسیون مرخصی و مرخصی راجع به مرخصی آقای مستوفی المالك بمضمون ذیل قرائت شد)

حضرت مستوفی المالك نماینده محترم با دلائل مقننه حضور خودشان در مجلس از تاریخ ۲۷ دی ۱۵۱۰ حمل مسترد دانسته تقاضا کرده اند که اجازه غیبت ایشان داده شود کمیسیون عنر موجه ایشان را بپذیرفته تصویب مینماید.

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مرخصی آقای مستوفی المالك را تصویب میفرمایند بقیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

(راپورت دیگر راجع به مرخصی آقای معتمد السلطنه بشرح آتی قرائت گردید)

آقای معتمد السلطنه نماینده محترم بواسطه اشتغال بسو گوازی تقاضای يك هفته غیبت با اجازه از تاریخ ۲۳ دی کرده اند کمیسیون ابتلا ایشان را تصدیق تقاضا شان را تصویب مینماید.

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که مفاد راپورت کمیسیون را تصویب میکنند بقیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

(راپورت راجع به مرخصی آقای نظام التولیه نیز بشرح آتی قرائت شد)

نظر باینکه آقای نظام التولیه نماینده محترم بواسطه امتداد راه از شدت سرما و برف و بارش ۴ روز از مدت اجازه مرخصی عقب تر ورود کرده اند و تقاضا کرده اند که مدت مذکوره نیز غائب با اجازه منظور

شوند و نظر باینکه کمیسیون عنرایشان را موجه و تقاضای ایشان را بجا دانسته تقاضای ایشان را تصویب مینماید.

رئیس - آقایانی که با مضمون این خبر موافقت قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقایان امیر اعلم و سالار اشکر (بشرح ذیل قرائت گردید)

پیشنهاد مینمائیم که قانون نظام اجباری روز پنجشنبه بعد از قانون انتخابات مطرح شود و روزهای پنجشنبه بعد از این انحصار بقانون نظام اجباری داشته باشد.

رئیس - آقای اشکر موافقت؟

اشکر - مخالفم.

رئیس - بفرمایند.

اشکر - روزهای پنجشنبه را مجلس رأی داده است برای قانون انتخابات که مخصوص بقانون انتخابات باشد و بنده هم پیشنهادی کرده ام که روزهای ۳ شبیه را اختصاص بقانون اجباری بدهند لهذا خوب است آقایان نمایندگانشان هم موافقت بفرمایند با پیشنهاد بنده که روزهای ۳ شبیه مختص باین قانون باشد.

رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای سردار عشایر

سردار عشایر - بنده هم مخالفم

رئیس - موافقی ندارم؟

آقای سید یعقوب - بنده موافقم چرا موافق ندارم.

رئیس - بفرمایند

آقای سید یعقوب - تعجب میکنم از آقای اشکر که چرا مخالفت فرمودند. این قانون تجدید نظر در انتخابات روز ه شنبه تمام میشود و ما هم آن روزها را معین کرده ایم برای يك قانون از این جهت مقتضی است قانون نظام اجباری را معین کنیم برای روز ه شنبه که این قانون هم تمام شود.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند.

رئیس - عده کافی نیست

مجلس بیکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - موتن المالك منشی - علی اقبال المالك منشی - معظم السالطان

۱۳۴۴

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه هشتم حوت هزار و سیصد و سه مطابق دوم شهر شعبان هزار و سیصد و چهارم و بیست و نهمه

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای موتن المالك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم ۳ شنبه هشتم حوت) را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - قبل از دستور

رئیس - آقای وکیل المالك وکیل الملک - بنده در دستور عرض دارم.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم

رئیس - نسبت بصورت جلسه ایرادی نیست؟

(گفتند خیر)

وزیر مالیه - جریاناتی که در ایام اخیر در مجلس شورای ملی واقع شده است بنده را مجبور کرد که برخلاف سیره مرسوم که معتقد نیستم راجع بمسائلی که خارج از دستور است در مجلس شورای ملی مذاکراتی بشود از این طریق انحراف ورزم و هرایزی در اینجا بکنم.

مقصود بنده مذاکراتی است که در نتیجه يك چیزهایی که در کمیسیون مرخصی ماله مملکت در هشتمین راپورت خودش نوشته بودو بعضی نسبت ها بعضی از اشخاص محترم داده بود در مجلس شورای ملی پیش آمد که نوشته شدن آن مطالب و منتشر شدن آنها خیلی اسباب تأسف بوده و البته مراضی نبودیم این کار واقع شود ولی بعد از آنکه يك مذاکراتی شد معلوم شد که خود دکتر میلسو هم حرف ها و اظهارات را از روی يك اشتباهات و سوء تفاهاتی گفته و برخورد او هم معلوم شد که نسبت نداشته است.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

پس بنابراین میخواهم عرض کنم که ادامه این مشاجرات و مناقشات در مجلس شورای ملی مناسب نیست.

هم منافی حیثیت مجلس شورای ملی است و هم تضییع وقت میکنه و هم مضر است.

آقایان محترم مسبقند و بسیاری از

آقایان حاضر هم در دوره چهارم تشریف دارند و میدانند و خودشان شرکت فرمودند در این مسئله که يك هیئتی از آمریکا برای اصلاحات اقتصادی و مالی مملکت ایران استخدام شوند و در این قضیه که مال تأمل و تعمق را هم بجای آوردند و با لحاظ اطراف این کار را کردند و خیلی هم خدمت بزرگی در نظر داشته باین مملکت بکنند و کرده اند.

دولت ایران هم دولت حاضر هم باین ترتیب کمال موافقت را داشته و دارد و بقای کمیسیون امریکائی را در ایران لازم میدانند بنده یقین دارم و میدانم مجلس شورای ملی هم همین عقیده را دارد و حتی تصور میکنم همان آقایانی هم که از عملیات کمیسیون امریکائی تنقیداتی کرده اند و شکایاتی دارند آنها هم همین عقیده را دارند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

بنابراین بنده تکلیف خود دانستم که در اینجا عرض کنم و توضیح بدهم که این چیزهایی که پیش آمد چه از طرف دکتر میلسو چه از طرف آقایان نمایندگان محترم اینها همه مبنی بر اشتباهات و سوء تفاهات بوده است.

مطلب خیلی آسان است که معلوم شود چرا در بین اشخاص این قبیل سوء تفاهات پیش می آید.

مثلا ممکن است بعضی از آقایان در نظر داشته باشند و توقع داشته باشند که اصلاحات مالی و اقتصادی سریعتر از این که واقع شده است میبایستی بشود در مسائل.

مثلا باینکه ممکن است بین اشخاص اختلاف عقیده پیدا شود يك مثالی را می زنم که خیلی ظاهر است.

مثلا دکتر میلسو در پیشنهاد بودجه هذلولی در اول سال يك عایداتی را تصور کرده بود که قانون مالیاتی آنها هنوز تصویب مجلس شورای ملی نگذشته بود آقایان اعضاء کمیسیون بودجه معتقد بودند مالیاتهایی که در مجلس شورای ملی هنوز وضع نشده است عایدات آنها را نباید بودجه منظور داشت.

حالا هر کدام از این دو دسته يك دلائلی دارند و هر کدام هم در يك قسمتی ذی عقند.

دکتر میلسو میگوید این مطالب در همه جای دنیا مرسوم است دولت ها در موقع پیشنهاد کردن بودجه در مالیاتها کم و زیاد میکنند.

ایجاد و حذف مالیات مینمایند و از همان تصرفات در قانون بودجه يك چیزهایی پیش بینی میشود و يك عایداتی قلمداد میکنند.

پس است هم میگوید این مطلب هست

در این قسمت

دکتر میلسو حق دارد.

آقایانی هم که چه در کمیسیون بودجه و چه در مجلس شورای ملی برخلاف این عقیده هستند حق دارند.

البته آنها هم از یکجتهی ذی عقند برای اینکه میگویند این بودجه بپسند شورای ملی آمده است و نواز مجلس بکنند این عایداتی که پیش بینی شده و هنوز قانوناً تصویب نشده برای مایجاد عایداتی نخواهد کرد.

حالا این بر سبیل مثل بود و مقصود بنده این نیست که اینجا بین این دو نظر حکومت کنم.

بلکه مقصود این است که دو عقیده پیدا شده است و این اختلافات گاهی منجر به این میشود که هر کدام از طرفین آن قسمتی را که خودش عقیده دارد نصف الیه قرار میدهد.

وقسمت های دیگر را منظور نمی دارد و آن وقت منتهی میشود يك تنقیداتی که مستقیماً بطور حدت و حرارت میشود و بالاخره فساد و تفتنی که بدبختانه همیشه ممکن است واقع شود و واقع هم می شود طرفین از یکدیگر نسبت بخود يك سوء نظری تصور میکنند.

چنانچه بنده يك قسمتی را برای همین دیدم که دولت معتقد بود باینکه دکتر میلسو نمیخواهد در ایران کار کند و دکتر میلسو معتقد بود باینکه دولت نمیخواهد او کار کند.

و حال آنکه هر دو اشتباه بود بنده معلوم شد که دولت میخواهد کار کند و مساعدت میکنند.

خود دکتر میلسو هم دانست و ملتفت شد و وقتی فهمید ظاهر کردو رسماً اظهار کرد که عن میخواهم اینجا بمانم و کار کنم و اشتباه بین دولت و دکتر میلسو رفع شد.

پس لازم است بین آقایان نمایندگان محترم که با يك شوق و ذوق کمیسیون امریکائی باین مملکت دعوت کرده اند و يك توقعات و انتظار خدماتی از آنها دارند و دکتر میلسو و کمیسیون امریکائی را هم بنده شهادت میدهم و تصدیق میکنم که با يك صمیمیتی آمده اند اینجا و میخواهند کار کنند و فوق العاده زحمت میکنند ما هم امیدواریم توقع داریم که حقیقتاً خدماتی را که از آنها انتظار داریم انجام بدهند.

بین این دو طرف موافقت و اتحادی حاصل شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و در واقع این موافقت لازم حاصل شود نتایج حسبه و امیدواری هایی است که در پیاد میکنند.

داریم و امیدواریم این سوء تفاهات رفع شده و این مشاجرات و مناقشات بر طرف شود و واقفاً کاری نکنیم که از برای مملکت نتایج حسنه حاصل شود.

(صحیح است)

از طرف دکتر میلسو هم بنده اطلاع دارم و میتوانم بآقایان اطمینان بدهم که رقم اشتباه شده است زیرا یک وقتی تصور میکرد که شاید يك اشخاصی با او ضدیت میکنند شاید مایل نیستند اصلاً کمیسیون اینجا باشد.

ولی حالا رفع این اشتباه برای ایشان شده است حتی مقارن منتشر شدن همان راپورت هشتم که بعضی از مطالب او اسباب این اختلافات و مذاکرات شد يك کافندی بنده نوشته است و در آن جان توضیح می دهد و میگوید این راپورت دو ماه پیش نوشته شده و يك ماه قبل هم بطبع رسیده است (اگر چه طی راپورت بعد نمایندگان که در حین مطالعه در کمیسیون پارلمانی بقیه من بی سبب بامن مخالفت میکردند اعتراض کرده ام مهذا لازم میدانم اینک رضایت و امتنان خود را از وضعیت دوستانه و مساعدی که اکثریت مجلس شورای ملی نسبت بدوستدار اتخاذ نموده اند بموجب این مراسم اظهار و ضمنتاً ذکر بدهم که اساساً مجلس شورای ملی در نظر دوستدار بلندترین و محترمترین مقامات را حائز و طرفین از یکدیگر نسبت بخود يك سوء نظری تصور میکنند.

چنانچه بنده يك قسمتی را برای همین دیدم که دولت معتقد بود باینکه دکتر میلسو نمیخواهد در ایران کار کند و دکتر میلسو معتقد بود باینکه دولت نمیخواهد او کار کند.

و حال آنکه هر دو اشتباه بود بنده معلوم شد که دولت میخواهد کار کند و مساعدت میکنند.

خود دکتر میلسو هم دانست و ملتفت شد و وقتی فهمید ظاهر کردو رسماً اظهار کرد که عن میخواهم اینجا بمانم و کار کنم و اشتباه بین دولت و دکتر میلسو رفع شد.

پس لازم است بین آقایان نمایندگان محترم که با يك شوق و ذوق کمیسیون امریکائی باین مملکت دعوت کرده اند و يك توقعات و انتظار خدماتی از آنها دارند و دکتر میلسو و کمیسیون امریکائی را هم بنده شهادت میدهم و تصدیق میکنم که با يك صمیمیتی آمده اند اینجا و میخواهند کار کنند و فوق العاده زحمت میکنند ما هم امیدواریم توقع داریم که حقیقتاً خدماتی را که از آنها انتظار داریم انجام بدهند.

بین این دو طرف موافقت و اتحادی حاصل شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و در واقع این موافقت لازم حاصل شود نتایج حسبه و امیدواری هایی است که در پیاد میکنند.

داریم و امیدواریم این سوء تفاهات رفع شده و این مشاجرات و مناقشات بر طرف شود و واقفاً کاری نکنیم که از برای مملکت نتایج حسنه حاصل شود.

بنابر این از آقایان نمایندگان محترم تقاضا میکنم و تمنا میکنم بآن نیتی که برای خدمت کردن باین مملکت دارند با همان نیتی که کمیسیون امریکائی را دعوت کرده اند با همان نیت يك دست بدست هم بدهند و با اتفاق هم کار کنند و باینکه که خودشان باین مملکت دعوت کرده اند برای اینکه خدمت کنند (و میدانم آنها هم مقصودشان خدمت کردن است) موافقت بفرمایند و دیگر مشاجرات و مناقشات را کنار بگذارند.

بلکه باین وسیله تسریع کنیم و رسیدن بآن نتیجه که اصلاح امور اقتصادی و مالی مملکت باشد تا از این راه هم باینه نوع خودمان خدمت کرده باشیم و هم برای خود کسب شرافتی کرده باشیم.

بعضی از نمایندگان - وارد دستور بشویم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب سؤالی داشتند.

آقای سید یعقوب - بنده خیلی خوشحال هستم که هم آقای وزیر مالیه و هم آقای وزیر فواید عامه تشریف دارند و يك مسئله را بر عرض خودشان مینمایند.

حضور مبارک آقای رئیس هم عرض کردم و حالا هم خدمت هر دو آقایان عرض میکنم که در هشتمین راپورت رئیس کل مالیه در صفحه چهارم و يك سطر هشتم راجع بامتیاز رب سوس نوشته شده که ما صلاح دانستیم بنصر المالك.

رئیس - آقا سؤال خودتان را بکنید.

آقای سید یعقوب - برخلاف نظامنامه عرض نکردم تذکر میدهم بعد بیاید جواب بدهند.

رئیس - راجع بقندد سؤال

آقای سید یعقوب - بنده متذکرشان میکنم که دوسیه را نگاه کنند بعد بیایند جواب بدهند در نظامنامه همچو سابقه ندارد.

رئیس - قبلاً که اطلاع نداد اید!

آقای سید یعقوب - آقایان شمارا بخدا قسم میدهم که حقوق نظام خودتان را از این نبرید.

رئیس - راجع بقند شما میخواستید سؤال کنید حالا سؤال دیگری میکنید؟

آقای سید یعقوب - در نظامنامه اطلاع کتبی ندارد.

پس بفرمایند بنده را بیرون کنند.

آقای سید یعقوب - بسیار خوب سؤالی ندارم.

(بعد خود مراجعت نمودند)

رئیس - راجع بقندا گر سؤال می-خواهید بکنید بفرمایند.

آقا سید یعقوب - خیر سؤالی ندارم.

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده راجع بقند سؤالی دارم.

اجازه بفرمایند؟

رئیس - بفرمایند

حاج میرزا عبدالوهاب - از فراری که بنده ششده ام قند این مملکت را دو نفر از تجار کثرت کرده اند و در سرحد هر یوطی يك تومان میگیرند و بسیار تجار می-فروشنند و این جهت سایر تجار جرأت نمی-کنند قند از خارج وارد کنند و يك من يك تومان بر قیمت قند علاوه شده است.

بنابراین خواستم ببینم آقای وزیر فواید عامه از این قضیه اطلاع دارند یا نه؟

اگر اطلاع دارند مطابق چه قانونی این اجازه بآنها داده شده است و اگر اجازه داده نشده چه حق داشته اند بدون اجازه این کار را کرده اند استدعا می-کنم جوابش را بفرمایند.

وزیر فواید عامه - بطوری که بنده اطلاع دارم در سرحد هر يك تومان و يك فرانی گرفته نشود.

حالت گرانی قند در تهران که در این باب سوء تفاهمی هم حاصل شده است مسدود بودن راهها است.

ان در رشت و قزوین و بینرشت و قزوین و همدان و در حدود غرب قند در زیادی قند هست و بمجرد اینکه راه باز شود دوباره قند تنزل خواهد کرد و قیمتش همان ۱۲ قران معمولی خواهد شد.

چنانچه با وارد شدن يك مقدار کمی قند حالا هم قیمتش تنزل کرده است حتی تقریباً میتوانم عرض کنم که این تنزل در ظرف امروز و فردا واقع میشود زیرا که خواهد شد و فقط گرانی قند بواسطه مسدود بودن راهها بوده است.

حاج میرزا عبدالوهاب - آقای وزیر فواید عامه این اطمینان را بپسند می دهند که آنطور که عرض کردم کثرت کرده است و يك چنین اقدامی نشده است یا خیر؟

چون جواب این قسمتی را نفرمودند قضا فرمودند باز شده است.

بنده هم میدانم راه باز شده ولی اصلاً خواستم بدانم که این مسئله کثرت حقیقتاً چه بوده است و اینکه گفته می-شود دو نفر از تجار قند را کثرت کرده اند بصحت دارد یا خیر؟

وزیر فواید عامه - بنده خیال کردم اگر مختصر جوابی عرض کنم کافی خواهد بود چون اصلاً مقصود راجع بگرانی قند بود که عرض کردم که راه باز شده تنزل خواهد کرد.



ولی معلوم شد که آن مقدار کافی نیست و باید توضیحات مفصل تری داد.

قضیه ترقی قیمت قند اسباب اضطراب خاطر مردم شده بود و همین جهت نظام و شکایت به آقای رئیس الوزراء کردند آقای رئیس الوزراء هم بن مأموریت دادند که در این باب مطالعه بکنم و اگر هم لازم است اقداماتی برای جلوگیری بکنم بنده هم داخل مذاکره و مطالعه شدم شهرت هم داشت که این معامله را حاج معین التجار کرده است.

باین جهت با ایشان هم داخل مذاکره شدم.

یعنی هم خریدار و هم بازرشونده مذاکرانی کردم.

اولاً در روز حاج معین را خواستم به وزارتخانه و ایشان رسماً تکذیب کردند و گفتند من همچو معامله و قراردادی نکرده ام.

بنابر این حق نداشته وقتیکه همچو تکذیب رسمی شد ایشان را تعقیب کنم و دیروز مخصوصاً در وزارت فوائد عامه جداً تکذیب نمودند و اظهار داشتند که من هیچ نوع معامله در این باب با کسی نکرده ام.

با فرورشدگان هم داخل مذاکره شدم گفتند هیچ نوع انحصار معامله در بین نیست هر کس هر قدر نقد میخواهد در وقت و انزلی هست و حتی بعد از باز شدن راه ما حاضریم در تهران تحویل بدهیم و معامله کنیم.

چون این مطلب گفته شد و خود بنده هم اطلاع کامل دارم.

عرض میکنم که مقادیر زیادی نقد خواهد آمد و بواسطه مسدود شدن راهها مانده است.

در علاوه تجار تهرانی برای کمک دادن بقتن تهران بیکمقداری قند از قم خریدند و وارد کرده اند و بقیه بنده در ظرف همین یک دو روز در راهها باز و قند تنزل خواهد نمود و بهمان قیمتش معمولی خودش ۲۲ قران خواهد رسید.

چنانچه حالا هم تا اندازه تنزل کرده است و گمان نمیکنم دیگر نگرانی باقی باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

قلوب بنده در چند جلسه قبل مذاکرانی راجع بمتدرجات راپورت هفتم و هشتم رئیس کل مالیه کردم و بعد هم اینجا دیگران یک صحبت هائی کردند و در همان موقع اجازه خواسته بودم که توضیحاتی بدهم.

ولی مجلس داخل در دستور شد حالاً که آقای وزیر مالیه تشریف آوردند از موقع استفاده کرده و مختصر توضیحاتی میدهم.

اولاً در این بنده از نقطه نظر شخصی نبود.

تأیید در ضمن اظهارات خودم بهیچ وجه اسمی از میسیون رهبشت ازمای آمریکائی نبردم.

بعضی ها اینجا شاید خواستند موضوع را منقلب کنند اینطور وانمود کنند که اعتراض من بر مردم مستند بهین آمریکائی است در صورتیکه آقایان تشریف داشتند و تصدیق میفرمایند که بنده هیچ کله را نگفتم.

بنده مقصودم این نبود که از میسیون آمریکائی تنقید کرده باشم.

بالینکه نسبت به میسیون آمریکائی نظر مساعدی است و با اینک بنده در دوره چهارم یک نفر از اشخاصی بودم که موافق بودم با آوردن مستشار والان هم همان عقیده را دارم.

ولی مخالفت و اعتراض من از این جهت بود که نباید یک چیز هائی طبع و منتشر شود که تولید یک زحمانی بکنند.

ولی حالاً که آقای وزیر مالیه با تصریح اظهار کردند که نوشتن مطالب در این راپورت های اخیر مبتنی بر یک سوء تفاهات و اشتباهاتی بوده است که نسبت بر رئیس کل مالیه شده است و حالاً که این اشتباهات از ایشان رفع شده بنده هم امیدوارم در همان طور که آقای وزیر مالیه اظهار کردند دیگر در راپورت هائی که میدهند مسائلی که مبنی بر سوء تفاهات و اشتباهات نکرار نشود.

**بعضی از نمایندگان** وارد دستور بشویم.

**وزیر مالیه** - شاید خاطر آقایان محترم مسجوق باشد که آلات و ادوات راه آهن تبریز و جلفا در حین استعمال مستحاج به تجدید و تعمیر شده است من جمله یکی از آنها که فوریت دارد دو دستگاه لکوموتیو است از برای این راه آهن و مدتی بود دولت در صدد تهیه و فراهم کردن وسیله آوردن آنها بود و اخیراً امپراتوری اطمینانی حاصل شده است و معتقدیم میتوانیم آن لکوموتیوها را داشته باشیم.

بنابر این لازم است که این لکوموتیوها را خریداری کنیم و برای خریداری آنها هم اعتباری لازم است که در بودجه هذالسنه منظور نشده است این است که این لایحه قانونی را برای اخذ اعتبار بپس مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم.

**اخگر** - بنده تقاضای فوریت می کنم.

رئیس - آقای افشار (اجازه)

**افشار** - در جلسه هیجدهم صد هزار و سیصد و پنجاهم دوره چهارم تقنینیه بپسوج ۴ ماده و تبصره که اگر آقایان اجازه بدهند موافقت را میفرمایم.

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که یک اعتبار مقدماتی که بالغ بر مبلغ یکصد هزار تومان باشد برای مخارج لازمه مربوطه به آنها شده و بنزرو گاوآلات فلاحات عبادت و ساختمان و سایر مخارج فوق العاده که برای اجرای این امر لازم میشود در صده آذربایجان به مصرف برسانند.

ماده دوم - وزارت مالیه مجاز است در حدود اعتبار مصرف ماده این قانون با رباب املاک متروکه در تحت شرایط و موادی که وزارت مشارالیه صلاح بداند اعطای قرضیه نماید.

تبصره - مقصود از صفحه آذربایجان در ماده اول عبارت از صفحات غارت زده ارومیه و سوادوزان از اب و سلاص و قسمتی از نواحی مکرری میباشد.

این قانون که مشتمل بر دو ماده و یک تبصره است در جلسه هیجدهم صد هزار و سیصد و دو تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

هفت سال قبل از این در موقعی که ارومیه را بگلی غارت کردند و قتل و ماش کردند در ایران و مخصوصاً در تهران یک اهانه از طرف دولت و ملت ایران برای اهالی ارومیه جمع آوری شد مقدار این اهانه یکصد و یازده هزار تومان بود حالاً چطور مصرف شد؟

در آن قسمت داخل نشویم پنججاه و دو هزار تومان از بابت این اهانه در اداره تومانیاس دیده گذاشته شده است و این مبلغ بعد از ورود میسیون محترم آمریکائی از بابت فروش پنبه توفیقی اداره تومانیاس در بار فروش وصول شد.

پس در این صورت صد هزار تومان مجلس شورای ملی برای ارومیه تصویب کرده بود ۲۰ هزار تومان هم خود اهالی ارومیه داشته اند و مجموع این دو مبلغ صد و پنجاه و دو هزار تومان است.

بموجب این صورت که راجع بتفریق حساب هزار و سیصد و دو است وزارت مالیه در ارومیه از بابت صد هزار تومان پنججاه و شش هزار و دو صد و هفتاد و پنج تومان به مصرف رسانده.

یعنی پنججاه و دو هزار تومان متعلق بحدود اهالی بوده و بقیه چهار هزار تومان از بابت آن صد هزار تومان در ارومیه به مصرف رسیده است.

آن وقت این ۲۰ هزار تومان که از بابت اهانه متعلق بوده است بخود اهالی ارومیه این مبلغ را از آن صد هزار تومان موضوع کرده اند در صورتی که در تفریق بودجه میباید این ۲۰ هزار تومان از صد و پنجاه و دو هزار تومان موضوع بشود.

بنده شرحی بوزارت جلیه مالیه نوشته بودم و تقاضا کرده بودم مبلغی را که در آنجا

بمصرف رسانده اند و در تحت تفکیک بدهند ببینند.

اولاً اشخاصی که این اهانه را برای آنها داده بودند مسیبتی بودند که در آنجا غارت شده بودند تعدی دیده بودند و بنحو مسلمین محل بود است در صورتی که بموجب این شرحی که وزارت مالیه بنده مینویسد از دو هزار و هفتصد و نود و هشتاد و هشت و پنجاه هزار و نهصد و هشتاد و هشت تومان من عمل غیر مسلمانه داده شده و اگر این مبلغ هم از پنججاه و شش هزار تومان که بمصرف رسانیده اند موضوع شود یک مبلغی هم از بابت اهانه خود اهالی ارومیه که کرده شده علاوه بمصرف رسانیده اند.

و این مبلغی را هم که در آنجا بمصرف رسانیده اند بعنوان قرضه ببردیم داده اند در ازاء وثیقه ملکی والان مأمور گذارده اند در خانه مردم و مسرراً فسطاط این قرضه را طلب بکنند هر کس هم ندهد البته ملک او جزو خالصات دولت میشود.

این سئوالی است که از وزارت مالیه دارم و استعفا میکنم جواب بدهند.

وزیر مالیه - سؤالی که کرده اند بنده تفصیل مطلب را از وزارت مالیه خواسته ام که راپورت آن را بنده بدهم.

وزیر راپورت هم داده اند و لکن چون بنده مسجوق بودم که امروز در این سوال خواهد شد آن راپورت را همراه نداشتیم و مطالعه نکرده ام در جلسه دیگر جواب عرض خواهد شد.

**بعضی از نمایندگان** - داخل دستور بشویم.

رئیس - آقای وکیل الملک نسبت به دستور حرفی دارید؟

**وکیل الملک** - قانون انتخابات چند ماده بیشترش مانده است که تمام شود ارومیه تقاضا کنیم ۳ ماده که از شور دوم لایحه اوزان و متادیرمانده اگر مجلس موافقت کند یا با شاه جلسه یا بعد از تنفس مطرح شود.

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

**سهام السلطان** - همانطور که اظهار کردند قانون و نظامنامه انتخابات چند ماده اش بیشتر مانده است بنده تقاضا میکنم آن چند ماده مطرح شود که شور اولش تمام شود بعد داخل در قانون اوزان و مقادیر بشویم.

رئیس - مخالفی نیست؟

**بعضی از نمایندگان** - خیر.

رئیس - قانون انتخابات از ماده ۵ مطرح است.

(ماده مزبور شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - انجمن نظار پس از انقضای رسیدگی بپشکایات به نمایندگی که حاضر

اکثریت شده اند انتخاب آنان را ابلاغ ورد قبول نمایند کی را استعلام می نمایند.

نمایند مزبور باید پس از وصول ابلاغ در ظرف یک هفته جواب رد یا قبول خود را بدهد و هر گاه جواب ندهد مجدداً باو اخطار میشود و اگر در دهمه ثانی نیز تا یک هفته جواب ندهد انجمن نظار استنکاف او را در حکم رد دانسته و به آن کسی که بعد از او حاضر اکثریت است مراجعه می نمایند.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - بنده عرضی ندارم (اجازه)

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - بنده عرضم این است که قدری مجمل است زیرا در آنجا میگوید و هر گاه جواب ندهد مجدداً باو اخطار میشود این جواب ندادن و اخطار ممکن است یک ماه دو ماه طول بکشد.

باید معین بکنند که پس از جواب ندادن در چه مدت.

تأیید باو اخطار میشود و پس از آن اگر تا یک هفته جواب ندهد علاوه باید یک شود شش دیگری که بعد از او حاضر اکثریت است بشرط اینکه دارای اقلانگ آراه باشد انتخاب خواهد شد.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

**اخگر** - بقدری آقای آقا شیخ محمد علی یوش فرمودند که بنده هیچ ننشیدم. گمان میکنم این ماده بهترین مواد این قانون باشد برای اینکه مکرر این اتفاق افتاده است که بعضی از آقایان برای نمایندگی انتخاب میشوند ولی جواب رد قبول نمیدهند.

و حق ملت را اینجا ضایع میکنند البته باید چنین ماده باشد که اگر نماینده قبول کرد یعنی قبول کردنی است قبول کند والا حق کسی بعد از او هست ضایع شود و البته ترتیب برای ما بدستور است که اکثریت نسبی خواهد بود.

هر کسیکه در مقام اول است اگر استنکاف کرد شخص بعد از او ولو اینکه یکمده رای کمتر از او داشته باشد میبایستی به آن شخص مراجعه بشود و گمان میکنم این ماده ایرادی نداشته باشد.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

**شیروانی** - قانون را باید یک قدری با مقتضیات مملکت و عملیات اشخاص هم تطبیق کرد.

در اینجا میگوید که انجمن نظار اخطار میکنند به آن کسی که کیل شده است اگر در دهمه اول و دوم جواب نداد آن وقت دیگری را وکیل میکنند خوب آن جاهای دور که ما اطلاع نداریم وضعیت انتخاباتش چطور است و باین زودی ها هم

نمیشود در این مملکت قانونی آنطور که ما میخواهیم اجرا شود اگر انجمن نظار در توی صورت مجلس یاد توی دوسه برای اینکه به آن شخص باید تا یک ماه وقت که باوولی اخطار کردم و او استنکاف کرد بجز اظهار انجمن نظار ما چه مدتی میتوانیم داشته باشیم؟

برای اینکه وقتی انجمن نظار دیگری را وکیل دانست او وکیل است و آن یکی رد شده و رد شده باید تصور کرد.

ما چه مدتی میتوانیم داشته باشیم که انجمن نظار در اینجا اعمال فرض کرده؟ در صورتیکه اگر این اختیار باقی بماند تا در محل استیناف خودش که مجلس شورای ملی است رسیدگی شود و مجلس بدوسه که رسیدگی کند و ببیند اولی استنکاف کرده است و دومی را وکیل بداند بهتر است.

ولی در آن قسمت بنده موافق که دومی باید وکیل شود چون اگر دومی تبه تجدید انتخاب شوند مدتی اول میکشد ولی در قسمت اول این حق را (آنهم یک همچو حق بزرگی بدون نظارت حکومت و هیچ عملی) نباید بانجمن نظار داد و باید یک محل استینافی هم داشته باشد و بالاخره مجلس شورای ملی اگر دید اولی استنکاف کرده دومی را اختیار کند و وکیل بداند حائری زاده (مخبر کبیسون) این مسئله گمان میکنم بوضوحش واگذار شده علاوه برای اجرای هر قانون دولت باید یک نظامنامه هم تنظیم کند.

در آنجا هم نوشته دوقده ابلاغ میشود و اگر چنانچه انجمن نظار دوسه کردند و تقبل کردند و ابلاغ نکردند آن شخص که وکیل شده کنگ نیست و اعتراض میکنند کهن وکیل شده ام چرا ابلاغ نکردید و چرا مرا معزوم کردید و تصور میکنم این ماده واضح است و محتاج بتفسیر نیست و حالا هم اگر آقایان پیش نهادی دارند بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفته کالی نیست)

رئیس - عده کافی نیست شیروانی - نفس بدهید.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - در ماده پنججاه و چهار گفته شد مذاکرات کافی است و بعضی ها مخالفت کردند و بنا عشد رای بگیریم.

آقایانی که کفایت مذاکرات تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادها قرائت می شود.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دامغانی بنده پیشنهاد

نمیشود در ماده ۵ نوشته شود.

اگر در دهمه ثانی نیز تا یک هفته جواب ندهد انجمن نظار سکوت او را بمنزله قبول تلقی میکند.

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبده الوهاب بنده پیش نهاد می کنم تبصره ذیل باده ۵ اضافه شود.

در صورتی که نماینده اول حضور نداشته باشد در حوزه انتخابیه علاوه شود ذهاب و ایاب است با معاينه تلگرافی.

پیشنهاد آقای سهام السلطان - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵ بشرح ذیل اصلاح شود:

از نظر چهاره و هر گاه جواب نداد مجدداً توسط وزارت داخله یا حکومت محل باو اخطار الی آخر

پیشنهاد آقای وکیل الملک - پیشنهاد میکنم تبصره ذیل باده ۵ ضمیمه شود:

تبصره - مدت دادن جواب برای اشخاصی که در خارج ایران هستند يك ماه خواهد بود.

پیشنهاد حاج عبدالعظیم - پیشنهاد می نمایم در ماده ۵ بعد از جمله (پس از وصول ابلاغ نوشته شود در صورتی که حوزه انتخابیه حاضر باشد و باخر ماده مزبور علاوه شود در صورتی که نماینده در خارج از حوزه انتخابیه باشد باید جواب رد قبول زودتر ظرف يك ماه بدهد.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵ برای هر اخطار عوض يك هفته بازده روز مدت معین شود.

پیشنهاد آقای تهرانی - بنده پیشنهاد می نمایم که بعد از لفظ (مجدداً) این قسم نوشته شود:

در ظرف يك هفته از طرف انجمن باو اخطار میشود در دهمه ثانی اگر نیز تا یک هفته رسماً جواب ندهد انجمن نظار استنکاف او را در حکم رد دانسته و بآن کسی که بعد از او حاضر اکثریت و دارای اقلانگ آراه باشد مراجعه می نماید.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵ در سطر دوم پس از لفظ (انتخابات آنان را) اضافه شود:

پیشنهاد آقای ارباب کبیسرو - بنده پیشنهاد میکنم این تبصره باده ۵ قانون انتخابات علاوه شود:

تبصره - متعینینی که بدسترسی ابلاغ نباشند مدت ابلاغ موکول بتمین محل ابلاغ و مدت اخذ جواب است.

رئیس - ماده پنججاه و پنج (بعضیون ذیل خوانده شد)

ماده ۵ - منشی انجمن نظارت صورت مجلس انتخابات حوزه انتخابیه را در سه نسخه حاضر کرده بهر حکومت و امضاء اعضاء انجمن رسانیده يك نسخه بداره

حکومتی نسخه دیگر را بتوسط حکومت وزارت داخله بمجلس شورای ملی و نسخه ثالث را بانام دفاتر انتخابیه انجمن ایالتی و ولایتی و در صورت نبودن انجمن به بدفتر عدلیه محل میفرستد.

تبصره - اوراق شکایات ضمیمه صورت مجلس از سالی بمجلس شورای ملی خواهد شد.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - عرضی ندارم.

رئیس - آقای طهرانی تشریف ندارند آقای شیروانی (اجازه)

**شیروانی** - بنده در این تبصره می خواستم عرض کنم راجع باورای شکایات در اینجا اضافه شود:

اورای شکایاتی که در ظرف مدت قانونی داخل شده است.

مخبر تصور نمیکنم که چون هم مخالفت داشته باشد پیش نهاد کنبد برای یادآوری

رئیس - آقای دست قیپ (اجازه)

**دست قیپ** - این جامی گوید:

يك نسخه به اداره حکومتی بدهد یکی بانجمن ایالتی و ولایتی بدهد و اگر نبود بهتر عدلیه محل بدهد.

علت اینکه بانجمن ایالتی و ولایتی بدهم و علت اینکه اگر او نباشد يك نسخه هم ب عدلیه بفرستد چه چیز است؟

برای اینکه حاکم قضیه در مرحله اول شعبه مجلس است و بعد مجلس و فایده اینکه بدفتر عدلیه بفرستد گمان می کنم منظور این بوده است که شاید در مرحله قضائی از قبیل تهدید و تطمیع باشد آن وقت دفتر عدلیه صورت انتخابات را داشته باشد و اگر غیر این باشد در موقع تجدید نظر در نظامنامه داخلی پیش بینی شده و محتاج نیست که بدفتر عدلیه بفرستد برای اینکه در صورتی که وکیل استعفا کرد یا فوت کرد در بگر رسیدگی بآن دوسه نمیشود مگر در صورتی که تهدید یا تطمیع و عنوان مجازاتی در بین باشد آن وقت هم خود مجلس دوسه و صورت مجلس را بدلیه می فرستد.

ولی اساساً فلسفه ندارد انجمن نظار دوسه را بدلیه بفرستد برای اینکه محل هدایه نیست.

ولی اگر بدفتر عدلیه برسد یکی عدلیه و احتیاج داشته باشد که از ادوه مجازات بدلیه بفرود خود مجلس می فرستد.

پس لزومی ندارد بدفتر عدلیه فرستاده شود بقیه من بک توهینی است از يك نفر نماینده که دوسه او فرستاده شود



بدلیه ...  
 شیروانی - برای اینکه ضبط شود دست غیب - التقات بفرمائید . اما در مسئله ضبط دفتر را که مجلس ضبط می شود و اگر برای خاطر این است که طایفه شود در خود مجلس ضبط می شود و استجکامش هم بیشتر است دیگر نسخه دیگری برای ضبط لازم ندارد بواسطه اینکه یکی در اداره حکومتی است و یکی هم در مجلس است و دیگر لازم نیست بدفتر هدیه فرستاده شود .

تمام یا اکثریت اعضا انجمن رسانیده الی آخره .  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم صورت مجلس در ماده ۵۵ در چهار نسخه تهیه شده و نسخه چهارم بخود نماینده بضمیمه اعتبار نامه تسلیم گردد در ذیل تبصره اضافه شود .  
 هويت شاکیان را باید حاکم وانجمن نظار تصدیق نماید .  
 رئیس - ماده پنجاه و شش - (شرح ذیل قرائت شد)

(اجازه)  
 یاسائی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای طهرانی .  
 (اجازه)  
 آقای شیخ محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای شیروانی .  
 (اجازه)  
 شیروانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 (اجازه)  
 دست غیب - عرضی ندارم .  
 رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند - خیر)

اینجا هم مثل سایر نظامنامه های سابق نوشته است .  
 وکیل اعتبارنامه باید در صورت داشته باشد ولی هنوز موضوع آن معین نیست که اعتبارنامه چه اثری دارد .  
 اثر آن هم بعقیده بنده خوبست در اینجا نوشته شود .  
 اگر اعتبارنامه سند یک وکیل است که واقفاً باید این را تشییع داد که آن کسی که این سند را در دست ندارد میتواند وارد مجلس بشود یا نه ؟ و این موضوع باید این جا مطرح شود و مشخص شود که بعد اسباب حرف نشود و کسی بی اعتبارنامه وارد مجلس نشود .  
 اگر غیر از این است آن هم معین شود که موضوع چیست تا آن مجلس که در آتیه از روی این نظامنامه می خواهد عمل کند تکلیفش را کامل بدارد که دیگر تفسیر بردار نباشد .  
 (بعضی از نمایندگان - صحیح است) یکی هم این جا نوشته ، لاف لاف اعتبارنامه باید باشد اکثریت هیئت نظار رسیدگی باشد .

مغیر - تصور می کنم نماینده محترم ظرف مخالفت را کمتر مطالعه فرموده اند . دوسه انتخابات وقتی بسته شد انجمن نظارت سه نسخه حاضر می کند یکی میدهد به حکومت که بتوسط وزارت داخله برای مجلس شورای ملی فرستاده شود . یکی را هم حکومت در دفتر خودش ضبط می کند .

مغیر - تصور می کنم نماینده محترم ظرف مخالفت را کمتر مطالعه فرموده اند . دوسه انتخابات وقتی بسته شد انجمن نظارت سه نسخه حاضر می کند یکی میدهد به حکومت که بتوسط وزارت داخله برای مجلس شورای ملی فرستاده شود . یکی را هم حکومت در دفتر خودش ضبط می کند .

ماده ۶۶ صورت مجلس انتخابات عبارتست از خلاصه جریان انتخابات یک حوزه انتخابیه از بدو تشکیل انجمن نظار انضال آن و محتوی قرائت ذیل است :  
 ۱- ترتیب انتخاب و تشکیل انجمن و اسامی هر یک و تعیین هیئت رئیسه و تاریخ آن .  
 ۲- تعیین مدت اعلان انتخابات و تاریخ آن و تعیین محل و اوقات دادن نمره و اخذ آراء مردم آن .  
 ۳- تعیین عده انجمن های فرعی و محل آنها و مدتی را که برای انجام انتخابات آنها مقرر داشته و تاریخ وصول صورت انتخابات آنها و مدت تأخیر و سبب آن (در صورت تأخیر)

مجلس شورای ملی نماینده .  
 اعتبارنامه لاف لاف باید به امضاء اکثریت هیئت نظار رسیده باشد .  
 رئیس - آقای یاسائی .  
 (اجازه)  
 یاسائی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای طهرانی .  
 (اجازه)  
 آقای شیخ محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای شیروانی .  
 (اجازه)  
 شیروانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 (اجازه)  
 دست غیب - عرضی ندارم .  
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس .  
 (اجازه)  
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - عقیده بنده این است همانطور که در صورت مجلس پیش بینی شده نسخه نوشته شده .

اگر نسخه ثالثی نباشد که با انجمن ایالتی و ولایتی یا در غیاب انجمن بدفتر هدیه فرستادن ممکن است در راه از بین برود و آن قسمتی که باید بمجلس برسد و آن قسمتی هم که در دفتر حکومت هست ممکن است مفقود شود آنوقت تکلیف چیست ؟

اگر نسخه ثالثی نباشد که با انجمن ایالتی و ولایتی یا در غیاب انجمن بدفتر هدیه فرستادن ممکن است در راه از بین برود و آن قسمتی که باید بمجلس برسد و آن قسمتی هم که در دفتر حکومت هست ممکن است مفقود شود آنوقت تکلیف چیست ؟

۴- تعیین عده آراء و تعیین اینکه از عده نمره هائی که داده شده کمتر یا زیادتر بوده است و اینکه آراء رایج تر ترتیب حفظ کرده اند .  
 ۵- تعیین روز شروع به استخراج آراء و مدت استخراج .  
 ۶- تعیین عده آراء زائده مشکوک و آرائی که سفید یا لایف برده .  
 ۷- تعیین اینکه آیا تساوی آراء بین دو یا چند نفر بوده و به ترتیب قرعه بعمل آمده .  
 ۸- ذکر اسامی اشخاصی که اکثریت حاصل کرده اند و عده آراء هر یک باز کر اسامی همان عده از اشخاصی که متعاقب آن ها دارای اکثریت گردیده اند .

این لاف لاف را بنده ندانستم یعنی چه یعنی اگر حکومت امضاء نکردند با شما همان امضاء هیئت نظار کافی است در این خصوص هم خواستم توضیحی بدهند .  
 مغیر - تصور میکنم آن جا که اول را که نماینده محترم اظهار کردند در خود ماده صراحت دارد باید نماینده اعتبارنامه داشته باشد یک آدمی که اعتبارنامه ندارد او را بعنوان وکالت در مجلس نمیتوان پذیرفت .  
 ارباب کیهن سرو - تا بحال نبوده است .  
 مغیر - مادامی که ثانی دوره های پیش سابقه پیدا کرده بود که بعضی از نظار از امضاء استنکاف میکردند این را خواستند تصریح کنند که اگر تمام نظار امضاء نکردند ولی اکثریت نظار اعتبارنامه را امضاء کردند رسمی است حکومت هم اگر امضاء نکنند وقتی که نظار تصدیق کردند اهمیت ندارد .  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

و انتخابات از کجا معلوم می شود ؟ لذا برای استجکام این کار یک نقطه دیگری خواستند پیدا کنند و فرار شد اگر انجمن ایالتی و ولایتی باشد بدفتر انجمن فرستاده اگر انجمن ها نباشند فکر کردند چه میکنند که یک محل ثالثی پیدا کنند و آن محل ثالث بسیرند و عدلیه را معین کردند

و انتخابات از کجا معلوم می شود ؟ لذا برای استجکام این کار یک نقطه دیگری خواستند پیدا کنند و فرار شد اگر انجمن ایالتی و ولایتی باشد بدفتر انجمن فرستاده اگر انجمن ها نباشند فکر کردند چه میکنند که یک محل ثالثی پیدا کنند و آن محل ثالث بسیرند و عدلیه را معین کردند

۹- تعیین اینکه آیا از متعینین اشخاص قبل از گرفتن اعتبارنامه استعلام داده یا بر طبق ماده (۵۸) دیگری بجای آنها معین شده (در صورت وقوع) .  
 ۱۰- خلاصه هر شکایتی که بانجمن رسیده و قراری که راجع به آن انجمن داده است هم از شکایات انجمن مرکزی بانجمن های فرعی .  
 ۱۱- تعیین مدتی که انجمن برای پذیرفتن شکایات نشسته است .  
 ۱۲- تاریخ انحلال انجمن نظار .  
 ۱۳- مهر یا امضاء اکثر اعضا انجمن نظارت و مهر یا امضاء حاکم یا نماینده آن .  
 رئیس - آقای یاسائی .

این لاف لاف را بنده ندانستم یعنی چه یعنی اگر حکومت امضاء نکردند با شما همان امضاء هیئت نظار کافی است در این خصوص هم خواستم توضیحی بدهند .  
 مغیر - تصور میکنم آن جا که اول را که نماینده محترم اظهار کردند در خود ماده صراحت دارد باید نماینده اعتبارنامه داشته باشد یک آدمی که اعتبارنامه ندارد او را بعنوان وکالت در مجلس نمیتوان پذیرفت .  
 ارباب کیهن سرو - تا بحال نبوده است .  
 مغیر - مادامی که ثانی دوره های پیش سابقه پیدا کرده بود که بعضی از نظار از امضاء استنکاف میکردند این را خواستند تصریح کنند که اگر تمام نظار امضاء نکردند ولی اکثریت نظار اعتبارنامه را امضاء کردند رسمی است حکومت هم اگر امضاء نکنند وقتی که نظار تصدیق کردند اهمیت ندارد .  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

حالا اگر محل ثالثی غیر از دفتر عدلیه بنظر نماینده محترم میرسد پیشنهاد کنند کمیسیون هم مخالفتی نخواهد کرد . جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

حالا اگر محل ثالثی غیر از دفتر عدلیه بنظر نماینده محترم میرسد پیشنهاد کنند کمیسیون هم مخالفتی نخواهد کرد . جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم در تبصره ماده ۵۵ بعد از کلمه شکایات اضافه شود .  
 (که در مدت قانونی واصله شده است)  
 پیشنهاد آقایان سلطان العلماء و ضیاء الملک .  
 بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ نوشته شود . با امضاء اکثریت اعضا انجمن رسانیده .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت تکلیف هستن به بهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از اقتضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لاف لاف باید پنج نفر از ارباب کیهن سرو - راست است که در

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم در تبصره ماده ۵۵ بعد از کلمه شکایات اضافه شود .  
 (که در مدت قانونی واصله شده است)  
 پیشنهاد آقایان سلطان العلماء و ضیاء الملک .  
 بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ نوشته شود . با امضاء اکثریت اعضا انجمن رسانیده .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم در تبصره ماده ۵۵ بعد از کلمه شکایات اضافه شود .  
 (که در مدت قانونی واصله شده است)  
 پیشنهاد آقایان سلطان العلماء و ضیاء الملک .  
 بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ نوشته شود . با امضاء اکثریت اعضا انجمن رسانیده .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت تکلیف هستن به بهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از اقتضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لاف لاف باید پنج نفر از ارباب کیهن سرو - راست است که در

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت تکلیف هستن به بهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از اقتضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لاف لاف باید پنج نفر از ارباب کیهن سرو - راست است که در

پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ بعد از کلمه (بهر حکومت) نوشته شود . بهر یا امضاء اعضا انجمن .  
 پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ بعد از کلمه (بهر حکومت) نوشته شود . بهر یا امضاء اعضا انجمن .

پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ بعد از کلمه (بهر حکومت) نوشته شود . بهر یا امضاء اعضا انجمن .  
 پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ بعد از کلمه (بهر حکومت) نوشته شود . بهر یا امضاء اعضا انجمن .

رئیس - آقای یاسائی .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت تکلیف هستن به بهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از اقتضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لاف لاف باید پنج نفر از ارباب کیهن سرو - راست است که در

رئیس - آقای یاسائی .  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت تکلیف هستن به بهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از اقتضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لاف لاف باید پنج نفر از ارباب کیهن سرو - راست است که در

اعضای انجمن نظارت مرکزی امضاء کرده باشند و در آن شهادت بصحت جریان انتخابات را بنده کند .  
 تبصره - اعتبارنامه بنویسند است که وزارت داخله تهیه میکند و تصدیقات شفاهی و کتبی نظار منفرداً و مجتمعاً در حکم اعتبارنامه نیست .  
 پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه دو نسخه نوشته شود یکی بخود نماینده می دهد و یکی دیگر را بتوسط وزارت داخله بمجلس ارسال کنند .

یکی از چیزهایی که در اینجا باشد مسئله فوت است و باید نوشته شود .  
 اگر استعفا کند با فوت نماینده بعد از هر کس حائز اکثریت است بجای او انتخاب می شود .  
 یکی هم در موقعی است که اعتبارنامه وکیل در مجلس رد شود .  
 بعقیده من برای اینکه انتخابات طول نکشد تجدید انتخاب لازم نیست و آن کسی که بعد از او حائز اکثریت است باید جای او معین شود .  
 یکی دیگر از چیزهایی که باید در این ماده قید شود اینست که اگر وکیل در مرکز حاضر شد ولی در مجلس حاضر نشد تا مدت معینی اگر در مجلس حاضر نشد معنی محسوب است و بجای او باید کسی که بعد از او حائز اکثریت است معین شود .  
 دیگر اینکه مدتهائی که در آنجا قید شده بعقیده بنده زیادی است و بجای دو ماه یکماه کافی است مدتی برای اشخاصی که در خارج هستند این مدت کم است و باید نسبت به آنها بتفکیک قائل شوند . برای داخله بنده یکماه را کافی میدانم ولی برای خارج ممکنست مطابق معمولی که در بعضی قوانین هست رفتار کنند مثلا برای متوقفین در مالک دور دست مثل شرق اقصی و امریکا از برای آنها چهار ماه و برای بعضی جاها سه ماه معین کنند که در آن مدت اگر حاضر نشدند آنوقت مستعفی محسوب شوند و همین ترتیب بنده پیشنهاد می کنم تقدیم کرده ام .

در صورتی که در کلاهی مجلس شورای ملی موافق قانون بایستی صدوسی و شش نفر باشد بیشتر باشد حالا چهار شده است کاین بیش آمده پیش آمده است . این ترتیبات برای این شده است که یک نفر از يك مجلسی انتخاب شده است و آمده است اینجا یکماه مرخصی گرفته است و رفته است بولایتش و دیگر نیامده است و قانون هم اجازه نمیده که بجای او دیگری انتخاب شود بهمین واسطه مجلس هم موفق نم شدند که دارای یکماده کاملی باشند و این مطلب هم محقق است .  
 که هر قدر عده و کلاهی در مجلس بیشتر حاضر باشند بیشتر راجع بقوانین تبادل افکار می شود و البته قانونی که با فکر عده بیشتری تهیه شده باشد بهتر است از یک قانونی که با فکر عده کمی تهیه شده باشد .  
 در اینجا گفته می شود که هر گاه نماینده ای پس از قبول نمایندگی استعفا کند یعنی يك نماینده ای اول که انتخاب شد و قبول نمایندگی را کرد و بعد صلاح ندید نمایند که باشد و خواست استعفا بدهد البته مجلس باید يك تصمیم بگیرد که بعد از این وکیل که نمایندگی را قبول کرده و بعد استعفا کرده چه باید کرد .  
 آیا بایستی جای او را خالی گذاشت یا آن معنی که این وکیل را انتخاب کرده بود بجزم اینکه این وکیل بدو قبول نمایندگی کرده و بعد استعفا داده است بایستی تا آخر دوره از انتخاب وکیل محروم بماند ؟

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین - پیشنهاد می نمایم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 ماده ۵۷ - نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود :  
 نمایند گانی که بحضوریت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بهر و امضاء انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلا اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلوگیری شود .  
 حالا ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طیباً از مقام نمایندگی مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلوگیری شود .  
 حالا ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طیباً از مقام نمایندگی مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلوگیری شود .  
 حالا ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طیباً از مقام نمایندگی مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلوگیری شود .  
 حالا ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طیباً از مقام نمایندگی مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلوگیری شود .  
 حالا ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طیباً از مقام نمایندگی مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل این جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق بفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند علاوه اگر بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و این مسئله مربوط باین انتخاب است .  
 با اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .